

جنگ ابلیس علیه انسان!

جنگ ابلیس علیه انسان!



محمد تقی صرفی پور

محمد تقی صرفی پور



فهرست

فهرست □

۱- جنگ ابلیس با انسان □

علت دشمنی ابلیس با آدمیان! □ ۱

سابقه ابلیس! □

مقام شیطان قبل از رجم □

پاداش ابلیس! □

قسم دروغ ابلیس! □

کتاب و رسول ابلیس! □

ناله‌های ابلیس □

قسم شیطان □

- ☐ اگر ابلیس می دانست!
- ☐ توبه ☐ ابلیس از فرشتگان نبود
- ☐ تصدیق کلام ابلیس
- ☐ چرا خدا به ابلیس مهلت داد؟
- ☐ دشمن مخفی
- ☐ شش هزار سال عبادت!
- ☐ اگر مرا عفو کنی...
- ☐ شیطان را دشمن بگیر!
- ☐ با ابلیس سر کوه
- ☐ ۲- توطئه های شیطان علیه آدمی
- ☐ شریک همه جنایات!
- ☐ فساد در دنیا
- ☐ باخود لواط کرد!
- ☐ جای پای ابلیس در آمریکا!
- ☐ وسوسه ابلیس در هنگام مرگ انسان

- ☐ وسوسه شیطان موقع مرگ مؤمن
- ☐ نشکن نمی گم!
- ☐ ابلیس بر سرش می زند!
- ☐ یاد دادن قتل نفس!
- ☐ اولین لهو ولعب!
- ☐ گوساله پرستی!
- ☐ بت پرستی
- ☐ قوم لوط!
- ☐ تشویق نمرود
- ☐ نمرود مطیع شیطان
- ☐ ندای شیطان
- ☐ نگاه شیطانی
- ☐ سخن شیطانی
- ☐ اعمال شیطانی
- ☐ اصحاب رس

☐ قارون رفیق شیطان

☐ توطئه قتل

☐ در بدر

☐ ندای شیطان

☐ در احزاب

☐ در خیبر

☐ در غدیر

☐ تو مترف هستی!

☐ شیطان باعریان

☐ شیطان باغافل

☐ سه گناه بزرگ!

☐ شیطان در او می دمدا!

☐ فحاشی و انجام کاربد در حضور مردم

☐ زنا!

☐ خُطُوات

☐ غروب و طلوع خورشید

☐ فتنه ها

☐ اولین سکه

☐ لشکر ابلیس

☐ سیل بلند!

☐ تنها

☐ مؤمن برقله کوه

☐ عجله

☐ همه شر در سه چیز

☐ ابلیس مادرش را به کشتن داد!

☐ پرهیز از شک

☐ شیطان می گوید ریا می کنی!

☐ شراب!

☐ شعله ای از شیطان

☐ ولایت شیطان

کتاب سحر □

قهقهه □

بول شیطان! □

خواب شیطان! □

۳- چگونه انسان در مقابل شیطان از خود دفاع نماید؟ □

دونوع شیطان □

اعراف! □

عابد بنی اسرائیل □

همه مرتد می شدند! □

عابد دیگر ونجات زن بد کار! □

یک فقیه در مقابل هزارعابد! □

عالم دشمن شیطان □

تلاش بی نتیجه ابلیس □

سفره غذا □ ۶۳

کشف عورت! □

نماز! □

شکستن کمر شیطان □

پناهگاهی در مقابل شیطان □

شیطان بیرون می رود! □

مضاجعت! □

هنگام آمیزش! □

پنج دسته ایمن □

ایمن از شیاطین در سفر و حضر □

دعای امام سجاده (ع) □

سه دسته ایمن از شیطان □

نام محمد و علی □

تولد و لّی خدا □

اذان و اقامه □

دعای زیاد □

ریاکار و شیطان □

- ☐ تسلط بر بدن
- ☐ عجله از شیطان
- ☐ ناله شیطان
- ☐ دور شدن از شیطان
- ☐ نصیحت شیطان
- ☐ وسوسه شیطان
- ☐ همه شیاطین خارج می شوند!
- ☐ ناله شیطان!
- ☐ هنگام سوار شدن
- ☐ شدیدترین دفاع
- ☐ رمضان
- ☐ فقیه
- ☐ دانه انار
- ☐ امانت داری
- ☐ ابلیس به اهل بیت متوسل می شود!

سیاهی صورت شیطان □

دیدار مؤمنین □

بهترین عمل نزد خدا □ ۷۶

پنج دستورالعمل اخلاقی واجتماعی مرحوم آیت الله العظمی □

میرزا محمد علی شاه آبادی (ره) □

استعاذه □ ۴- برخورد پیامبران وامامان واولیاء خدا با ابلیس □

برخورد با نوح (ع) □

ربودن انگشتر سلیمان نبی □

سر راه موسی (ع) □

سه گناه مهم □

صدقه □

سر راه یحیی (ع) □

سر راه عیسی (ع) □

شیطان سر راه پیامبر □

شیطان تسلیم رسول خدا صلی الله علیه وآله □

تبسم پیامبر □

امیرالمؤمنین (ع) بر روی سینه ابلیس! □

بدتر از ابلیس! □

شیطان در فکر توطئه برای جدّ پیامبر □

شیطان در مقابل عمار □

عرش ابلیس □

۵- اطلاعاتی درباره ابلیس □ مراتب جن! □

یاران ابلیس! □

اسم شیطان □

مرگ ابلیس! □

نام شیاطین □

فرزند خوب ابلیس! □

قم! □

شیطان مردم □

چرا ابلیس؟ □

جنگ ابلیس علیه انسان!

ندای ابلیس! ☐

زده شدن گردن ابلیس ☐

چه کسی شیطان را گول زد؟ ☐

۱- جنگ ابلیس با انسان

هر انسانی برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه خود باید دوستان و دشمنان خود را بشناسد. دوستان انسان مؤمن، خدا و رسولان و فرشتگان و مؤمنان هستند و دشمنانش، ابلیس و شیاطین و کفار و منافقین می‌باشند. ابلیس سرسخت‌ترین دشمن بشریت بوده که هرچه خرابی و فساد و جنگ و آدم‌کشی و اختلاف در جهان است از اوست و او بنیان‌گذار اختلافات است. اگر مکر و حيله‌های ابلیس نبود، آدمی از بهشت رانده نمی‌شد. اگر دشمنی ابلیس نبود قاییل برادر خود رانمی‌کشت! اگر عداوت ابلیس نبود، پیامبران بدست انسانها کشته و شهید نمی‌شدند. اگر دشمنی ابلیس نبود همه انسانها خداشناس و موحد و مومن بودند و نیازی به جهنم و عذاب الهی نبود اگر چه علاوه بر ابلیس، نفس اماره و میل انسان به شهوات و ذخارف دنیا نیز در انحراف انسانها نقش مهمی داشته است. اگر مکر ابلیس نبود این چنین بین بیش از یک میلیارد مسلمان جهان اختلاف نبود تا یک کشور کوچک بنام اسرائیل غاصب بتواند بر مسلمانان ظلم کند و ندای آنارجل بر آورد! و اگر حيله‌های ابلیس نبود ولایت غصب نمی‌شد و همه مسلمین یک واحد بودند و به یک شیوه نماز می‌خواندند و یک پیشوا را تبعیت می‌کردند و...

در هر حال برای رسیدن به سعادت باید ابلیس را شناخت و با مکر و حيله‌های او آشنا شد و حول و قوه الهی از موانعی که او یقیناً سر راه انسان مؤمن ایجاد می‌نماید، به راحتی عبور نمود و به صف رستگاران پیوست.

خدا فرمود:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. یعنی: ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نبستم که شیطان را عبادت نکنید که او دشمن آشکار شماست.

دیگری معنی لغوی آن است، شیطان از ((شطش)) و ((شاطن)) گرفته شده و هر دو به معنی پلید، خبیث، پست و موجودی سرکش، متمرّد و نافرمان به کار برده می‌شود. به عبارت دیگر، به هر چیز مرموز، موزی و آزار دهنده گفته می‌شود. هم چنین به معنی منحرف و منحرف‌کننده، یاغی و طاغی، شریر و شرارت‌کننده، دور بودن و دور شدن از حق و حقیقت، دور شدن از رحمت و مغفرت الهی، بدخوی و سخت دل، بدجنس و بد ذات و ناپاک، هلاک شده و هلاک شونده آمده است. این معانی و صفات در انسان باشد یا در جن، در چهار پایان باشد یا وحوش، خزندگان و غیره همه این‌ها از معانی و مصادیق شیطان است.

علت دشمنی ابلیس با آدمیان!

ابلیس موجودی از جن بود که هزاران سال قبل از خلقت آدم (ع) در آسمانها بعنوان ملکی از ملائکه مشغول فرمانبرداری از حضرت حق بود. نام او «عزایل» و «حارث» بوده است. ملائکه خیال می‌کردند که او هم از جنس آنان است ولی خداوند علیم با علم خود می‌دانست که ابلیس از ملائکه نیست. ابلیس زیباترین ملک بود و خدا را به گونه‌ای زیبا عبادت می‌کرد که فقط دو رکعت نماز او برای

خداوند، چهار هزار سال طول کشید! تا اینکه خداوند آدم(ع) را آفرید و برای اهدافی از جمله ظاهر شدن چهره مخفی ابلیس و صفات زشت او، دستور داد که همه ملائکه برای آدم(ع) و به احترام او سجده کنند. که این سجده در حقیقت برای خدا و به احترام آدم(ع) بود. همه فرشتگان از این دستور الهی اطاعت کردند به غیر از ابلیس! خدا از او پرسید که چه انگیزه‌ای باعث شد که از این دستور سرپیچی نمایی؟ ابلیس جواب داد برای این سجده نکردم که آدم(ع) از جنس خاک است و من از جنس آتش! و آتش از خاک برتر است. و من بر موجودی که از من پست تر است سجده نمی‌کنم! خدایا! اگر مرا از این کار عفو نمایی، برای تو عبادتی بکنم که هیچ موجودی همچو عبادتی نکرده باشد! خداوند در جواب فرمود که من دوست دارم آنطور که خود می‌خواهم عبادت شوم! و تو از بهشت من و از صف ملائکه اخراج هستی! ابلیس وقتی این چنین دید، به خداوند عرض کرد که من سالهای زیادی تو را عبادت کردم و تو عادل هستی و به کسی ظلم نمی‌کنی. پاداش عبادتهای مرا بده! خداوند فرمود: آری بتو پاداش خواهم داد. هرچه از امور دنیا می‌خواهی بگو تا بتو بدهم. ابلیس گفت یکی اینکه بمن تا قیامت مهلت بدهی و کاری بمن نداشته باشی! دوم اینکه بمن قدرتی بدهی تا بتوانم در انسانها همانند خون در رگهایشان، نفوذ کنم! سوم اینکه آنها نتوانند مرا و یاران مرا ببینند ولی من و یارانم آنها را ببینیم! چهارم آنکه می‌خواهم هر کودکی که از انسان متولد می‌شود، دوتا کودک هم از من متولد شود! پنجم به هر صورتی که بخواهیم در بیایم! خداوند فرمود: این‌ها را دادم. گفت خدایا پاداش زیادتری بده! خدا فرمود: شما را در سینه‌ها و دل‌های آنان قرار دادم! گفت: خدایا کافی است.

سپس ابلیس گفت: به عزت قسم که همه را بجز مخلصین گمراه خواهم کرد. و از جلو و از عقب و از راست و چپ نزدشان رفته و کاری کنم که اکثرشان را شاگرد نینوی!

وقتی حضرت آدم(ع) دید که خدا این قدرت را به ابلیس داده است گفت: خدایا! ابلیس را بر فرزندانم مسلط کردی و او را همانند خون در رگها اجازه نفوذی دادی! و آنچه خواست به او دادی پس تکلیف من و فرزندانم چه می شود؟ خدا فرمود: اگر یک گناه کنی، یک عذاب دارد و اگر یک کار خوب کنی، ده پاداش دارد. حضرت آدم(ع) گفت: زیاد تر بده! خدا فرمود: تا زمانی که روح به گلو نرسد، فرصت توبه دارید. حضرت آدم(ع) گفت: زیاد تر بده! خدا فرمود: شما را می بخشم و اهمیتی نمی دهم (به بزرگی و زیادی گناهان) حضرت آدم(ع) گفت: کافی است.

لذا ابلیس از آن زمان تا کنون بدنبال گمراهی انسانها و دوری انسان از خداوند بوده و البته موفق شده است که عده زیادی از بندگان خدا را با کمک هواها و نفسانیات و میلهايشان به شهوات دنیا، منحرف کرده و جهنمی نمایند.

هر عمل زنا و لواطی که در دنیا انجام شده و یا انجام می شود، و هر کودک حرام زاده ای که متولد می گردد، جای پای ابلیس در آنجا وجود دارد! هر جنگ و خونریزی و قتل انسانها مخصوصاً قتل پیامبران و امامان و انسانهای بزرگ و اولیاء خدا و دانشمندان و عالمان دلسوز و سیاستمداران پاک سرشت و... که انجام می شود با وسوسه های ابلیس است.

هر اختلاف و دشمنی بین انسانها و حتی بین افراد یک خانواده و حتی بین پدران و مادران با فرزندان شان وجود داشته و دارد و هر کانون خانواده ای که متلاشی می گردد از کارها و تلاشهای ابلیس است!

هر بتی که پرستیده می شود و هر دین جدیدی بوجود می آید و هر مکتب منحرف کننده جدیدی که ظاهر می شود از نفَس پلید ابلیس است!

خودکشی ها و افسردگی ها و مرضهای مهلکی چون ایدز و گرفتاریهای بشر امروزی نیز از کید و مکرهای بلیس است!

عشقهای مجازی و روابط نامشروع و قانونی شدن هم جنس بازی در بسیاری از کشورها و تشکیل مؤسسات فحشاء و آلوده کردن مردم دنیا به انواع مفاسد همه از توطئه‌های ابلیس است که اخیراً فزونی گرفته است!

تشکیل باندهای مواد مخدر و صدها نوع مواد مخدر شیطانی، تشکیل باندهای مخوف جنایت و شرارت و حتی باندهایی که علناً خود را شیطان پرست می‌خوانند و باندهای به دام انداختن دختران و زنان برای استفاده از فحشاء و تشکیل محافل رقص و شرابخواری و روابط جنسی نامشروع علنی و... همه از اقدامات و فعالیت‌های ابلیس و یارانش می‌باشد.

ابلیس بنیانگذار همه بدعت‌ها و مذہب‌های ساختگی و آئین‌های بی ریشه الهی است!

ابلیس در قتل پیامبرانی همچون حضرت زکریا و یحیی و در آتش انداختن حضرت ابراهیم (ع) و توطئه فرعون علیه موسی (ع) و تحریک مشرکین مکه برای کشتن پیامبر اسلام و امیر المؤمنین (ع) و... نقش داشته است. و اوست بپاکنده جنگ‌هایی همچون جمل و صفین و نهروان و...

ابلیس از راه‌هایی چون نگاه و سخن با نامحرم، شراب و مستی، دروغ، خیانت و مال اندوزی و حرص و... انسان‌ها را منحرف می‌کند.

ابلیس در موقع تنها بودن انسان، موقع عریان شدنش، وقت خلوت با نامحرم و هنگام همراهی با فاسقان و در هنگام طلوع و غروب خورشید موفق‌تر است.

بیشتر یاران ابلیس، زنان، عابدان جاهل، حاکمان ستمگر و جوانان بی تقوا هستند!

و خلاصه هر کجا انحراف و گناه و معصیتی باشد رد پای ابلیس و اعوان و انصارش به چشم باطنی می‌خورد.

اما خداوند متعال، انسان را در برابر این دشمن قسم خورده و غذای و وسایل مهمی تجهیز نموده است که هر کسی از این وسایل استفاده کند، سلامتیش از دست ابلیس تضمین شده است و ابلیس و یارانش بر آنان تسلطی نخواهند داشت.

این وسایل بشرح زیر می‌باشند: ۱- عقل به عنوان پیامبر باطنی، ۲- فطرت سالم و توحیدی، ۳- صدویست و چهار هزار پیامبر و دوازده امام (ع) ۴- دهها کتاب آسمانی از جمله قرآن کریم ۵- هزاران عالم و دانشمند موحد و مخلص و دلسوز ۶- میلیونها جلد کتاب و هزاران سخنرانی و هزاران مجلس علم و دانش برای آگاهی انسانها ۷- توبه و بازگشت به خدا در هر ساعتی که بخواهد.

گویند: وقتی ابلیس به زمین آمد، گفت: خدایا! به عزت و جلالت سوگند! از آدمیان جدا نمی‌شوم تا زمانی که بمیرد! خداوند سبحان فرمود: به عزت و جلالت سوگند! مانع توبه بنده‌ام نمی‌شوم بطوریکه توبه را غرغره کند! - یعنی هر زمان بخواهد توبه کند و محدودیتی ندارد - ۸- دوستی اهل بیت (ع) که نجات دهنده قطعی است ۹- هزاران مسجد و حسینیه و محل عبادت ۱۰- نماز و روزه و صدقه و تلاوت قرآن و ذکر و ازدواج در جوانی و مصاحبت با علماء و گریه از خوف خدا و توکل بر خدا و صبر در مشکلات و... اعمالی هستند که در دوری از ابلیس مؤثر است.

هرگاه ابلیس انسان صالحی را می‌بیند که نیرنگهای او را خنثی می‌کند، ابلیس به دست و پا می‌افتد و متزلزل می‌شود و ناراحت. همچنان که وقتی جوانی ازدواج می‌کند، ابلیس به ناله می‌افتد و می‌گوید دینش را از من حفظ کرد! و یا امام و پیغمبری که متولد می‌شود یا عالمی که به هدایت مردم مشغول می‌شود برای ابلیس همانند یک کابوس و هشتناکی است.

گویند که ابلیس چهار بار ناله کرد و دوبار اظهار خوشحالی نمود: اما چهار بار ناله‌اش در زمانی بود که از صف ملائکه رانده شد. زمانی که به زمین فرود آمد و زمانی که پیامبر اسلام مبعوث شد و زمانی که قرآن (سوره فاتحه) بر پیامبر اسلام نازل شد.

حال نگاهی می‌اندازیم به صدها سخنی که به نحوی در شیطان‌شناسی! مؤثر می‌باشد.

سابقه شیاطین!

گفته شده که وقتی خداوند، آسمان و زمین. ملائکه و جن را خلق کرد، ملائکه را در آسمان جای داد و جن را در زمین قرار داد. جان پدر همه اجنه است. جن هفت هزار سال در زمین بودند ولی در میان آنان ظلم و فساد و قتل یکدیگر پیدا شد. لذا خداوند، ابلیس را به سرپرستی ملائکه بر علیه جن فرستاد و آنها هم جن را از زمین اخراج و به جزایر و قله کوهها تبعید نمودند و خودشان در زمین ساکن شدند. خداوند، ابلیس را پادشاه زمین و پادشاه آسمان دنیا و خزانه دار بهشت نمود. او خیلی خدا را عبادت می‌کرد ولی دچار عجب شد و گفت من از ملائکه بالاترم که خداوند چنین مقامی به من داده است.

مقام شیطان قبل از رجم

نقل است که در برگشت از معراج، شیطان نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت به معراج رفته بودید؟ فرمود آری. پرسید در آسمان چهارم بطرف بیت المعمور منبری شکسته بود. آن را دیدی؟ آن منبر من بود که بر بالای آن می‌رفتم و مردم را موعظه می‌نمودم. هر وقت تسبیح از دستم می‌افتاد، چندین هزار ملک سرازیر شده و در حالیکه بر تسبیح بوسه می‌زدند، بمن می‌داند. آن موقع معتقد شدم که خدا از من بهتر خلق نکرده است! اما حال بر عکس شده و کسی از من بدتر نیست. ای محمد! مبادا در درگاه الهی دچار غرور شوی؟

پاداش ابلیس!

امام صادق(ع): وقتی ابلیس دستور خدا را در مورد سجده بر حضرت آدم(ع) اجابت نکرد، خدا فرمود: از بهشت بیرون برو که تو رانده شده و تاقیامت ملعونی! ابلیس گفت: خدایا! تو عادل و ظلم نمی کنی. پس ثواب اعمالم چه می شود؟ خدا فرمود: از دنیا آنچه ثواب می خواهی بتومی دهم! ابلیس ابتدا از خدا خواست تا قیامت به او مهلت دهد. خدا فرمود: بتو مهلت دادم. سپس از خدا خواست که او را بر فرزندان حضرت آدم(ع) مسلط کند. خدا فرمود: تو را مسلط کردم. ابلیس گفت: به من قدرتی بده که مانند خون در رگ، در آدمیان نفوذ کنم. خدا فرمود: بتو این قدرت را دادم. گفت می خواهم هر کودکی که از انسان متولد می شود، دو تا کودک هم از من متولد شود! و ما آنها را بینیم و آنها ما را نبینند و به هر صورتی که بخواهیم در بیایم فرمود: این را هم دادم. گفت خدایا زیادتر بده! خدا فرمود: شما را در سینه ها و دل های آنان قرار دادم! گفت خدایا کافی است. سپس ابلیس گفت: به عزت قسم که همه را بجز مخلصین گمراه خواهم کرد. و از جلو و از عقب و از راست و چپ نزدشان رفته و کاری کنم که اکثرشان را شاکر نبینی! وقتی

حضرت آدم(ع) دید که خدا این قدرت را به ابلیس داده است گفت: خدایا! ابلیس را بر فرزندانم مسلط کردی و او را همانند خون در رگها اجازه نفوذی دادی! و آنچه خواست به او دادی پس تکلیف من و فرزندانم چه می شود؟ خدا فرمود: اگر یک گناه کنی، یک عذاب دارد و اگر یک کار خوب کنی، ده پاداش دارد. حضرت آدم(ع) گفت: زیادتر بده! خدا فرمود: تا زمانی که روح به گلو نرسد، فرصت توبه دارید. حضرت آدم(ع) گفت: زیادتر بده! خدا فرمود: شما را می بخشم و اهمیتی نمی دهم (به بزرگی و زیادی گناهان) حضرت آدم(ع) گفت: کافی است.

قسم دروغ ابلیس!

جبرئیل از آدم(ع) پرسید چرا حرف ابلیس را گوش کردی و از درخت ممنوعه خوردی؟ گفت زیرا ابلیس قسم خورد که من خیر شما را می خواهم. و من هم خیال نمی کردم که کسی قسم دروغ به خدا بخورد!

عبدالحارث!

وقتی حواء حامله شد، ابلیس نزد او آمد و گفت اگر می خواهید که این کودک بعد از تولد زنده بماند نامش را عبدالحارث(اسم ابلیس حارث بوده است) بگذارید! و الا بعد از چند روز از دنیا می رود.
هنگامی که آدم(ع) آمد، حواء ماجرا را برای او گفت. آدم(ع) گفت حرف این موجود خبیث را قبول نکن!

کتاب و رسول ابلیس!

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ابلیس به خدا عرض کرد که حضرت آدم(ع) را به زمین بردی و کتابها و رسولانی برایشان می فرستی، رسولان و پیامبران آنها کیانند؟ فرمود: رسولانشان، ملائکه و پیامبران هستند و کتابهایشان تورات و انجیل و زبور

و فرقان (قرآن) است. ابلیس گفت پس کتاب من چیست؟ فرمود: کتاب تو خال و قرائت تو شعر و رسولانت کاهنان و غذایت آنچه بر آن نام خدا برده نشود و نوشیدنیت شراب و راستت دروغ و خانه ات حمام و دامهایت زنان و اذان گویت نی‌ها و مسجدت بازار است!

ناله‌های ابلیس

روایت شده که ابلیس چهار بار ناله کرد: وقتی که از پیشگاه خدا رانده شد. - هنگام آمدنش به زمین - وقت بعثت پیامبر اسلام (ص) - هنگام نزول قرآن. و دوبار هم اظهار خوشحالی نمود: روزی که آدم (ع) از درخت ممنوعه خورد و روزی که آدم (ع) از بهشت رانده شده و به زمین هبوط نمود!

قسم شیطان

رسول خدا صلی الله علیه و آله: وقتی ابلیس به زمین آمد، گفت: خدایا! به عزت و جلالت سوگند! از آدمیان جدا نمی‌شوم تا زمانی که بمیرد! خداوند سبحان فرمود: به عزت و جلالم سوگند! مانع توبه بنده‌ام نمی‌شوم بطوریکه توبه را غرغره کند! - یعنی هر زمان بخواهد توبه کند و محدودیتی ندارد -

اگر ابلیس می‌دانست!

امام صادق (ع): اگر ابلیس از آنچه خدا در آدم (ع) قرار داده بود اطلاع داشت بر آدم (ع) تکبر و فخر فروشی نمی‌کرد!

هیچ کس معصیت نمی کرد!

امام زین العابدین (ع): اگر شیطان نبود که آنان را از طاعت دور کند، هیچ کس معصیت تو را نمی نمود. و اگر شیطان باطل را در صورت حق نشان نمی داد، هیچ کس از راه درست گمراه نمی شد.

توبه

وقتی آیه «والذین اذا فعلوا فاحشۃً او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون.» (هرگاه آنانکه بخودشان ظلم کردند و معصیت نمودند، خواستند توبه کنند باید استغفار کرده بدانند که غیر خدا کسی نمی تواند گناه آنان را بیامرزد و نباید آگاهانه برانجام گناه اصرار کنند) نازل شد، شیطان صدائی کرد تا تمام شیاطین دورش جمع شدند پس به آنها گفت این آیه نازل شده است. چه کسی عهده دار خنثی کردن آن برمی آید؟ یکی گفت من. ابلیس پرسید چگونه؟ گفت از راه فلان عمل! ابلیس گفت تو نمی توانی. دومی بلند شد و مثل اولی پیشنهادی داد که ابلیس آن را رد کرد. و سواس خناس بلند شد و گفت من از راه وعده دادن و آرزوهای طولانی گول می زنم تا گناه کنند و بعد توبه را از یاد آنها می برم. ابلیس او را تصدیق کرد و برای این مأموریت تا روز قیامت او را انتخاب کرد.

ابلیس از فرشتگان نبود

امام جعفر صادق (ع): ابلیس از فرشتگان نبود بلکه از جن بود و باملائکه بود و فرشتگان خیال می کردند از آنهاست. ولی خدا می دانست که از آنها نیست تا زمانی که فرشتگان امر به سجده بر آدم (ع) شدند آنگاه معلوم شد که ابلیس جزو جن بوده است.

تصدیق کلام ابلیس

امام صادق (ع): وقتی آیه «وَلَقَدْ صَدَّقَ ابْلِيسَ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ الْاَفْرِيقَا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ» یعنی او گمان ابلیس را تأیید کرد و غیر از مؤمنین بقیه از ابلیس تبعیت نمودند. نازل شد. ابلیس فریادی کشید تا شیاطین دورش جمع شدند. آنها از او پرسیدند ای مولای ما! چه شده است؟ گفت وای بر شما! قسم به خدا! خدا کلام مرا در قرآن آورد. بعد دستش را بطرف آسمان بلند کرد و گفت به عزت و جلالت سوگند! که آن گروه باقی مانده را هم به بقیه ملحق می نمایم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. اِنْ عِبَادِیْ لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطٰنٌ خِدا فرموده است که تو ابلیس! بر بندگانم تسلطی نداری.

چرا خدا به ابلیس مهلت داد؟

روایت شده که بخاطر اینکه ابلیس دور کعت نماز خوانده بود که چهار هزار سال طول کشید، خدا خواهش او را برای مهلت دادن قبول نمود.

دشمن مخفی

امیرالمؤمنین (ع): پرهیزید از دشمنی که بطور مخفی در سینه‌ها راه یافته و در گوشها نجوا می نماید.

شش هزار سال عبادت!

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: شیطان شش هزار سال عبادت کرد که معلوم نیست به سالهای دنیوی بوده یا اخروی که هر سالش معادل هزار سال دنیا است. - یعنی شیطان یک سجده اش هزاران سال طول می کشیده آنوقت بعضی افراد تحمل یک ذکر را هم ندارند. - ولی غرور

با عث شد که بر آدم (ع) سجده نکند و از مقامش اخراج گردد.

اگر مرا عفو کنی...

امام جعفر صادق (ع): وقتی خدا دستور سجده بر آدم (ع) را داد، ابلیس گفت خدایا! اگر مرا از این کار معاف کنی، برایت عبادتی کنم که تاکنون کسی همچو عبادتی نکرده باشد! خدا فرمود: من دوست دارم آنطور که خود می خواهم اطاعت شوم!

شیطان را دشمن بگیر!

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابن مسعود نصیحت کرد که: ای پسر مسعود! شیطان را دشمن خود بگیر که خدا می فرماید: ان الشیطان لکم عدو فأتخذوه عدوا شیطان دشمن شماست! پس با او دشمنی کنید.

با ابلیس سر کوه

حاج امام قلی نخجوانی که در اخلاقیات و معارف الهیه، مراتب استکمال را طی می کرد، گوید: پس از آنکه به سن کهولت و پیری رسیدم، شیطان را دیدم که هر دوی ما، بالای کوهی ایستاده ایم! من دست خود را بر محاسن خود گذارده و به او گفتم: مرا سن پیری و کهولت فرارسیده، اگر ممکن است از من در گذر! شیطان گفت: این طرف را نگاه کن! وقتی نظر کردم، دره بسیار عمیقی را دیدم که از شدت خوف و هراس، عقل انسان مبهوت می ماند! شیطان گفت: در دل من، رحم و مروت و مهر قرار نگرفته است. اگر چنگال من بر تو بند گردد، جای تو در ته این دره خواهد بود که تماشا می کنی!

۲- توطئه‌های شیطان علیه آدمی

- شیطان: نخستین کسی بود که بعضی کارها را مرتکب شد و پیش او کسی آنها را انجام نداده بود. و آنها از این قراراند:
- اولین کسی که قیاس نمود و خود را از حضرت آدم علیه‌السلام برتر و بالاتر دانست و گفت: من از آتشم و او از خاک در حالی که آتش از ^(۲)خاک بالاتر است.
 - اولین کسی که در پیشگاه با عظمت الهی تکبر نمود و به دستور ^(۳)خالق خود عمل نکرد.
 - اولین کسی که که معصیت و نافرمانی خدا را کرد و آشکارا با او مخالفت نمود.
 - اولین کسی که به دروغ گفت: خدا گفته از این درخت نخورید، چون درخت جاوید است و اگر کسی از آن بخورد تا ابد زنده می‌ماند و ^(۴)با خدا شریک می‌شود.
 - اولین کسی که که قسم به دروغ خورد و گفت: من شما را ^(۵)نصیحت می‌کنم.

- اولین کسی که نماز خواند و یک رکعت آن چهار هزار سال^(۶) طول کشید.
- اولین کسی که منبر رفت و برای ملائکه سخنرانی و صحبت کرد.
- اولین کسی که به خدا مشرک شد.
- اولین کسی که غنا و آواز خواند، همان زمانی که آدم علیه السلام^(۷) از درخت نهی شده خورد.
- اولین کسی که از خوشحالی سرود خواند و آن هنگامی بود که آدم به زمین آمد.
- اولین کسی که نوحه خواند و گریست، چون او را به زمین فرستادند، به یاد بهشت و نعمتهای آن نوحه و گریه کرد.
- اولین کسی که لواط کرد^(۸) چون زمانی که به میان قوم لوط آمد خود را در اختیار آنان قرار داد تا با او لواط کنند.
- اولین کسی که دستور ساختن منجنیق را داد تا حضرت ابراهیم علیه السلام را با آن در آتش اندازند.
- اولین کسی که دستور ساختن حمام را در زمان حضرت سلیمان علیه السلام داد تا نظافت کنند.
- اولین کسی که ساختن نوره را در زمان حضرت سلیمان داد، برای^(۹) این که موهای اضافی پای بلقیس پادشاه سبا را از زمین ببرند.
- اولین کسی که دستور ساختن شیشه را داد تا حضرت سلیمان علیه السلام آن را روی خندق گذارد و بلقیس را آزمایش

(۱۰) کند.

- اولین کسی که دستور ساختن صابون را داد تا مردم بدن و لباس خود را بشویند.

- اولین کسی که دستور ساختن آسیاب را داد تا مردم گندم‌های خود را آرد کنند.

- اولین کسی که با ابوبکر بیعت کرد تا مردم را منحرف کند و از مسیر (۱۱) حق برگرداند.

- اولین کسی که خدا را در آسمان‌ها پرستید.

- اولین کسی که عبادت و بندگی او، فرشتگان را به تعجب در آورد!

- اولین کسی که به خدای خود اعتراض کرد.

- اولین کسی که شبیه شدن به دیگران را مطرح و مردم را به آن (۱۲) تشویق کرد.

(۱۳) - اولین کسی که که سحر و جادو کرد و آن دو را به مردم یاد داد.

- اولین کسی که ساز درست کرد و خود، آن را نواخت.

(۱۴) - اولین کسی که برای زیبایی، زلف گذاشت.

- اولین کسی که برای مخالفت با پیامبران ریش خود را تراشید.

- اولین کسی که برای مست شدن مردم، شراب درست کرد.

- اولین کسی که ساختن آلات لهو و لعب و موسیقی را به قابیل آموخت.

- اولین کسی که وقتی وارد جهنم می‌شود، خطبه می‌خواند.

- اولین کسی که مکر و حيله و خدعه نمود.

(۱۵) - اولین کسی که نقاشی کرد و چهره کشید.

(۱۶) - اولین کسی که آتش حسدش شعله ور شد.

- اولین کسی که به ناحق مخاصمه و جدال کرد.

- اولین کسی که خدای تعالی به او لعنت نمود (۱۷) و از ناراحتی فریاد کشید.

(۱۸) - اولین کسی که به خدا کفر ورزید.

(۱۹) - اولین کسی که گریه دروغی نمود.

- اولین کسی که عبادت و خلقت خود را ستود.

(۲۰) - اولین کسی که صورت‌های مجسمه و بت را ساخت.

- اولین کسی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را لعنت کردند.

- اولین کسی که از ترس ملائکه فرار کرد و خود را مخفی نمود.

- اولین کسی که دستور مساحقه داد. امام باقر علیه السلام

فرمود: ((وقتی خواسته ابلیس در قوم لوط عملی شد، خود را به

صورت زن در آورد و سراغ زنان آمد و گفت: آیا مردان شما با هم لواط

می‌کنند؟ در جواب گفتند: آری. دستور داد شما نیز با هم مساحقه

(۲۱) کنید)).

اولین کسی که به دروغ گریه نمود شیطان بود. (آن ملعون به

واسطه گریه، دل بعضی را می‌سوزاند، بعضی را غافل گیر می‌کند و بر

آنها مسلط می‌شود و منحرفشان می‌سازد.) اولین گریه دروغین او

پیش حوا بود. وقتی که از فریب دادن آدم علیه السلام مأیوس شد، در

حالی که گریه می کرد و اشک می ریخت نزد حوا آمد و او دلش به حال شیطان سوخت. پرسید: چرا گریه می کنی؟ گفت: ای حوا! دلم به حال تومی سوزد حیف از این زیبای و جوانی تو که می میری و زیر خاک می شوی.

حوا گفت: چه کنم که نمیرم؟ گفت: اگر تو و همسرت از این درخت بخورید، دیگر مرگ به سراغ شما نخواهد آمد. حوا رفت پیش آدم علیه السلام و داستان گریه او را بیان کرد و هر دو از آن درخت ^(۸۵) خوردند و از بهشت بیرون شدند.

نیز نقل شده که: حضرت یحیی بن زکریا (س) روزی به ابلیس برخورد نمود، در حالی که آن ملعون گریه می کرد. یحیی علت گریه او را پرسید؟ گفت: ای پیامبر خدا! هر چه در خانه خدا می روم و او را می خوانم، جوابم را نمی دهد و عنایت در حقم نمی فرماید. یحیی از روی دل سوزی عرض کرد: خدایا! چه می شد اگر در ب عنایت خویش را به روی این مرد باز می کردی و او را مشمول رحمت خود می فرمودی؟! خطاب رسید: ای یحیی! شیطان به دروغ گریه می کند، گریه او برای فریب دادن بندگانم است. اگر می خواهی دروغ او بر تو هویدا شود به او بگو: خدا تو را می بخشد، در صورتی که بروی کنار قبر آدم علیه السلام و بر خاک او سجده کنی!

یحیی جریان را برای شیطان بازگو کرد و از خواست تا بر سر آدم علیه السلام رود و سجده کند! گفت ای یحیی! آن وقت که آدم

علیه السلام بر مسند عزت و قدرت تکیه زده بود او را سجده نکردم،
چگونه حال که مرده و زیر خاک رفته است بروم و خاکش را سجده کنم؟
هرگز چنین کاری نخواهم کرد.
خطاب از جانب خدا رسید: ای یحیی! حال دانستی که گریه آن
(۸۶) ملعون نیرنگ بوده و مقصودش منحرف کردن مردم است؟!!

شریک همه جنایات!

روزی یکی از شیعیان موفق به دیدار ابلیس شد و ابلیس گفت:
منم قاتل هابیل! منم کشنده ناقه صالح! منم پیا کننده آتش ابراهیم! منم پی گیر قتل یحیی! منم جمع کننده ساحرین فرعون علیه موسی! منم
درست کننده گوساله سامری! منم کشنده زکریا! حرکت دهنده ابرهه برای خراب کردن کعبه! منم تحریک کننده مشرکین برای قتل پیامبر! منم
ایجاد کننده حسد در دل منافقین در روز سقیفه! منم صاحب هودج شتر در جنگ جمل! منم ایستاده دربین دو صف در جنگ صفین! منم رهبر
منافقین! منم هلاک کننده اولین و گمراه کننده آخرین و شیخ ناکثین و رکن قاسطین و ظل مارقین....!

فساد در دنیا

با تلاشهای ابلیس و یارانش، متأسفانه در عصر ما فساد همه جای دنیا را فرا گرفته است و آثار زیانبار این فساد، میلیونها انسان را بدبخت نموده و از خدا دور نموده است. با اختراعات جدید و با بوجود آمدن عصاره تباطات و فن آوریهای جدید در این زمینه، روزانه هزاران انسان مخصوصاً جوانان با فساد و فحشاء آشنا شده و از معنویات فاصله می گیرند. وجود میلیونها سی دی مبتذل و هزاران سایت اینترنتی و هزاران شرکت و مؤسسات فحشاء در دنیا، مسئله تربیت سالم نوجوانان و جوانان را با خطر مواجه کرده و طبق آمارها فرزندان نامشروع و کودکان بی پدر! و مرضهای عجیب و غریب و متلاشی شدن کانونهای خانواده و بی هویت شدن انسانها و معبود قرار گرفتن شهوات جنسی روبه فزونی است و همه اینها از دستاوردهای جنگ ابلیس با انسانها در عصر حاضر است. که به چند نمونه از فسادهایی که ابلیس بوجود آورده اشاره می شود:

باخود لواط کرد!

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ابلیس در حالی که همسری نداشت به کره زمین آمد و اولین کسی بود که باخود لواط نمود. و فرزندانش از خودش است.

جای پای ابلیس در آمریکا!

«نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان امریکا:

ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با کشوری که در آن دوازده ساله ها باردار می شوند، پانزده ساله ها همدیگر را می کشند، هفده ساله ها به ایدز مبتلا می شوند و هجده ساله ها دیپلم می گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند، هیچ کس را نمی شود رهبری کرد!»

«هرساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین بین پانزده تا نوزده سال دوره دبیرستان به سبب ارتباط‌های نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در دهه‌های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

جان نکد، نویسنده و تحلیل‌گر غربی:

«انتشار ایدز در ایالات متحده و اروپا و سایر نقاط جهان خطر جدی در روابط این جوامع بوجود آورده است. هزاران نفر و از جمله شخصیت‌های معروفی نظیر «روک هادسون» هنرپیشه آمریکایی به این بیماری دچار شده‌اند. اکنون شانزده میلیون نفر در سنین مختلف در کشورهای اروپایی و آمریکا حامل ویروس ایدز هستند... هر اس از مواجهه با این هیولای خزنده به استودیوهای هالیوود نیز کشانده شده است. آن جا که پس از ابتلای برخی هنرمندان نامی، تمامی هنرپیشه‌های زن و مرد ملزم به ارائه گواهی نامه عدم ابتلا به ویروس ایدز هستند!»

«در فاصله سال ۱۹۸۵ تاکنون ایدز قربانیان زیادی از هالیوود گرفته است.

جون کالینز، بازیگر سینما گفته است که: ایدز مکافات گناهان هالیوود است.

مرگ هادسن در اکتبر ۱۹۸۵ همچون زلزله موجی از وحشت و حیرت در قشرهای لوکس هالیوود برانگیخت. اد آلستر رئیس اتحادیه بازیگران سینما، که شصت هزار بازیگر را زیر پوشش خود دارد، پیشنهاد کرد که در گام اول صحنه‌های بوسه از کلیه فیلم نامه‌ها حذف شود!...

در سال ۱۹۹۱ فقط آمار رسمی حاکی از ۶۷ مرگ در هالیوود بر اثر ابتلای به ایدز بوده است.»

سقط جنین

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی است و ۷۰٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروه های مستهجن و هرزه را تجربه می کنند!»

«بر اساس آمار ارائه شده در ایالات متحده امریکا یک میلیون نوجوان در دوران بلوغ از منزل فرار می کنند که ۲/۳ فرار افراد مؤنث ناشی از آزارهای جنسی در محیط خانواده می باشد.»

«در شهر نیویورک فردی که یک کلینیک روان شناسی خصوصی تأسیس کرده بود و در آن یکصد کودک را تحت نظارت و مراقبت داشت پس از آنکه متهم شد که تمامی یکصد کودک را مورد تجاوز قرار داده است به اسرائیل گریخت که متأسفانه یک سوم این کودکان، آلوده به ایدز شدند...!»

خودکشی!

«بر اساس گزارش های منتشره در ایالات متحده آمریکا در هر شش ساعت یک نفر زیر نوزده سال به وسیله سلاح گرم دست به خودکشی می زند. در سال ۱۴۴۷، ۱۹۹۰ نفر بین سنین ده الی نوزده سال به وسیله سلاح گرم خودکشی کرده اند.»

«بر اساس آمار موجود، خودکشی دومین علت مرگ و میر در بین جوانان ۱۵-۲۴ ساله در ایالات متحده می باشد.»

دکتر ردفیلد جیمیسون استاد روان پزشکی دانشگاه «جانزهاپکینز» در همین باره گفت: سالانه حدود سی هزار آمریکایی خودکشی و ۷۵۰ هزار نفر دیگر هم اقدام به خودکشی می کنند ولی نمی میرند. از هر پنج نوجوان آمریکایی طی یک سال گذشته یک نفر خودکشی کرده یا جداً قصد آن را داشته است.»

«آمار تکان دهنده موجود حاکی از آن است که در این کشور بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میزان خودکشی در میان گروه سنی ۱۵- ۲۰ ساله ۵۰٪ افزایش یافته است.»

«الوین تافلر، نویسنده نظریه رداز معروف امریکایی:

در سراسر کشورهای مرفه فریاد عجز و لابه های آشنا به گوش می رسد. میزان خودکشی نوجوانان رو به افزایش است. الکلیسم بیدادمی کند. افسردگی روانی همه گیر شده است، بربریت و جنایت مُد روز گردیده است!

در ایالات متحده اتاق های اورژانس بیمارستان ها مملو از معتادان به ماری جُوانا و دیوانه های سرعت و دسته های اراذل و اوباش و معتادان به کوکائین و هرویین و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی شده اند.

مددکاری اجتماعی و بهداشت روانی در همه جا به سرعت رو به گسترش گذاشته است، در واشنگتن یک کمیسیون بهداشت روانی وابسته به دفتر ریاست جمهوری اعلام می دارد که به طور کامل شهروندان ایالات متحده از نوعی فشار عصبی رنج می برند. و روان شناسی از مؤسسه ملی بهداشت روانی ادعا می کند که تقریباً هیچ خانواده ای بدون نوعی ناهنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می کند روان پریشی، جامعه آمریکا را که آشفته و پریشان و متفرق و نگران آینده است، فرا گرفته است!

تافلر می‌افزاید: زندگی روزمره واقعاً به طرز افتضاح آمیزی کیفیت خود را از دست داده است و اعصاب همه خورد و داغان است، دست به یقه شدن و تیراندازی در مترو یا صف‌های بنزین نشانگر این واقعیت است که کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است، میلیون‌ها نفر از مردم به آخرین حد از ظرفیتشان رسیده‌اند.

خشونت

«در شیکاگو مسن ترها بعد از تاریک شدن هوا از قدم زدن در خیابان‌ها وحشت دارند. در مدارس و ایستگاه‌های قطار زیرزمینی نیویورک خشونت غوغا می‌کند.

در کالیفرنیا مجله‌ای برای خوانندگان خود به اصطلاح دفترچه راهنمای عملی در مورد استفاده از سلاح‌های دستی و دوره‌های تیراندازی و سگ‌های محافظ تعلیم دیده، دزدگیر و ابزار ایمنی برای استفاده شخصی دوره‌های دفاع از خود و نظام‌های ایمنی کامپیوتری ارائه می‌کند.

«در سه دهه گذشته هشتاد میلیون نفر به جمعیت آمریکا اضافه شده است که ۲۰٪ این عده را مهاجرین جدید از آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا تشکیل می‌دهند:

در این مدت، در بین جمعیت قریب به سیصد میلیونی آمریکا، جنایت چهاربرابر شده است، خشونت بین طبقات مختلف و افراد ده‌برابر بالا رفته است و نسبت طلاق در خانواده‌ها از ۳۰٪ به ۷۰٪ افزایش یافته و تعداد کودکان نامشروع دوازده برابر شده است.

تجارت مواد مخدر در بین جوانان آمریکایی مرسوم شده است. و امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه به وضع بحرانی رسیده است.

عدهٔ زندانیان در این سه دهه از یکصد هزار نفر به بیش از یک میلیون نفر تجاوز کرده است و در یک آمار جدید ۷۰٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده‌اند که به همسران خود وفادار نبوده‌اند.

«کشیش یرس ریتز می‌گوید: در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

تجاوز و هتک حرکت زنان

نیویورک تایمز:

«تفریح آمریکاییان شکل زشت و شرم‌آوری پیدا کرده است. فیلم‌ها و ترانه‌ها، آوازا و نمایش‌ها به جای اینکه الهام بخش و پیام‌آور باشند، هراس‌آور و زننده شده‌اند.

تجاوز جنسی، استعمال دخانیات، مواد مخدر، شیطان پرستی، خشونت و هرزگی و بی بندوباری در شهرهای مختلف آمریکا اوج گرفته است.

شهرهایی چون واشنگتن، نیویورک، شیکاگو، بوستون، لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو و چند شهر دیگر به عنوان مناطق خطرناک قلمداد شده‌اند، زیرا هیچ‌گونه تأمین جانی و ناموسی برای زنان وجود ندارد.»

نشریه آمریکایی ریدرز دایجست:

ویلسون، پزشک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دوزن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می باشد.»

نیویورک تایمز:

«کارآگاهان شخصی بوش هم قادر به مهار جنایات و تعرض به خانم های جوان و دختران نیستند! و تنها رفتن به بیرون از خانه از ساعت هشت شب برای زنان و دختران ۱۰۰٪ مخاطره آمیز است.»

مارلین فرانچ، نویسنده:

«یک مرد آمریکایی در هر دوازده ثانیه زنش را کتک می زند و هر روز چهار تا از این ضرب و جرح ها موجب فوت زن می گردد! طبق بررسی های اف بی آی، تعداد تجاوزات به زنان افزایش داشته است. هر ساله حدود دو میلیون و نیم زن مورد حمله - تجاوز و سرقت قرار گرفته که یک چهارم این جنایت ها توسط افراد فامیل یا دوستان صورت می گیرد.»

ابلیس و تلاش های او

ابلیس از زمان تولد کودک تا زمان مردنش برای منحرف کردن انسان تلاش می کند و از همه فرصت ها استفاده می کند :

وسوسه ابلیس در هنگام مرگ انسان

امام صادق (ع): ابلیس در موقع مردن انسان شیطانی را می فرستد تا او را به کفر امر نماید و در دینش شک ایجاد کند. اگر انسان مؤمن باشد شیطان موفق نمی شود پس در حال احتضار به آنها شهادتین را تلقین کنید.

وسوسه شیطان موقع مرگ مؤمن

امام صادق (ع) فرمود: هنگام مرگ یکنفر شیعه، شیطان از راست و چپ او می آید، تا او را منحرف کند! ولی خداوند مانع می شود! همانطور که در آیه ۳ سوره ابراهیم فرمود: خداوند، اهل ایمان را در دنیا و آخرت، ثابت قدم و ثابت اعتقاد، نگه می دارد!

نشکن نمی گم!

گویند شخصی در حال احتضار بود. بستگان او به او گفتند بگو لا اله الا الله محمد رسول الله تلقین کنند ولی او می گفت نشکن نمی گم! و مرتب این حرف را تکرار می نمود. تا اینکه بیهوش شد. وقتی بهوش آمد باز به او گفتند بگو لا اله الا الله محمد رسول الله او گفت. سؤال کردند پس چرا مرتب می گفتی نشکن نمی گم؟ گفت ساعتی عتیقه دارم که خیلی مورد علاقه من است. وقتی شما به من تلقین می کردید، شیطان آن را در دست گرفته بود و می گفت اگر بگویی آن را می شکنم! و من می گفتم نشکن نمی گم!

ابلیس بر سرش می زند!

رسول خدا(ص):وقتی خدا از بنده ای راضی باشد- واجلش برسد- خدا می فرماید:ای عزرائیل! نزد بنده ام برو و روحش را بیاور! عمل او پس است و من او را همانطور که دوست داشتم یافتم.

عزرائیل با پانصد ملک در حالی که همراهشان ریحان وزعفران است نازل می شوند و هر کدام به او بشارتی جداگانه می دهند. و هنگام خروج روحش دو صف از ملائکه تشکیل می شود. وقتی ابلیس این صحنه را می بیند، دستش را بر سرش گذاشته، ناله می کند. شیاطین می گویند: ای ارباب ما! چه شده است؟ گوید: آیانی بینید خداوند چقدر عزّت به این شخص داده است؟ شما کجا بودید؟ آنها می گویند ما تلاش کردیم که او را گمراه سازیم ولی نتوانستیم!

یاد دادن قتل نفس!

گویند که وقتی قابیل تصمیم به کشتن برادرش را گرفت نمی دانست چگونه این کار را بکند. ابلیس پرنده ای را گرفت و با سنگ او را کشت و اینگونه به قابیل آموزش داد تا برادرش را بکشد!

اولین لهو و لعب!

وقتی آدم(ع) از دنیا رفت ابلیس وقاییل به لهو و لعب پرداختند و آدم(ع) را شماتت می کردند. لذا عمل این دو منشأ هر آنچه که مردم از آلات لهو لعب لذت می برند شد.

وقتی نمرودیان می خواستند ابراهیم(ع) را در آتش بیاندازند و نمی دانستند با چه وسیله ای این کار را بکنند، ابلیس طریقه درست کردن منجنیق را به آنان نشان داد!

گوساله پرستی!

وقتی موسی(ع) به کوه طور رفت ابلیس نزد مردم آمد و گفت که موسی(ع) فرار کرده است و هرگز نزد شما بر نمی گردد! سپس گوساله پرستی را با کمک سامری به آنان تعلیم کرد!

بت پرستی

در روایت است که قبل از نوح(ع) عده ای از مردم مؤمن بودند وقتی مردند بقیه مردم در فراق آنها ناراحت بودند. ابلیس به آنها گفت برای اینکه بیاد آنها باشید مجسمه آنها را درست کنید! اینها به این دستور عمل کردند. قرن بعدی آمد و ابلیس نزد مردم رفت و گفت این مجسمه ها خدایان پدران شما بودند شما هم اینها را پرستید! عده زیادی از مردم به این صورت بت پرست شدند تا اینکه نوح(ع) بر آنها نفرین کرد و خدا آنان را هلاک نمود.

شیطان و قوم لوط!

امام باقر(ع): قوم لوط بهترین قوم بودند. اما ابلیس سراغ آنها رفت. خصلت آنها این بود که همه مردها برای کارهایشان از محل خارج می شدند و زنهای در محل باقی می ماندند. ابلیس خود را بصورت نوجوانی در آورد و کشت و کشاورزی آنان را خراب می کرد تا اینکه اورادستگیر کردند و قرار شد که فردا او را مجازات نمایند. شب او را نزد یکی از خودشان گذاشتند. موقع خواب نوجوان -ابلیس- شروع به گریه کرد. میزبان علت گریه اش را پرسید. او گفت من شبها وقتی می خوابیدم روی سینه پدرم می خوابیدم! میزبان هم او را روی سینه خود خواباند و ابلیس آن شب کاری کرد که میزبان با او لواط نمود. فردا میزبان قضیه را برای مردها تعریف کرد و آنها هم به لواط راغب شدند و این چنین بود که هم جنس بازی میان مردها رسم شد. ابلیس سپس سراغ زنهای رفت و این عمل ننگین و خلاف فطرت را بین آنها رسم نمود. تا اینکه عذاب الهی آنان را فرا گرفت.

در بنی اسرائیل عابدی بود که دنبال کارهای دنیا هیچ نمی رفت و دائم در عبادت بود، ابلیس صدایی از دماغ خود در آورد که ناگاه جنودش جمع شدند، به آنها گفت:

چه کسی از شما فلان عابد را برای من می فریبد؟ یکی از آنها گفت: من او را می فریبم.

ابلیس پرسید: از چه راه؟ گفت: از راه ((زن)) ها. شیطان گفت: تو اهل اونیستی و این ماءموریت از تو ساخته نیست، او زنهای را تجربه نکرده است. دیگری گفت: من او را می فریبم. پرسید: از چه راه بر او داخل می شوی؟ گفت: از راه ((شراب))، گفت: او اهل این کار نیست که با

اینها فریفته شود. سومی گفت: من او را فریب می‌دهم، پرسید: از چه راه؟ گفت: از راه ((عمل خیر و عبادت!))، شیطان گفت: برو که تو حریف او بی و می‌توانی او را فریب دهی.

آن بچه شیطان به جایگاه عابد رفت و سجاده خود را پهن کرده، مشغول نماز شد، عابد استراحت می‌کرد، شیطان استراحت نمی‌کرد. عابد می‌خوابید، شیطان نمی‌خوابید و مدام نماز می‌خواند، بطوری که عابد عمل خود را کوچک دانست و خود را نسبت به او پست و حقیر به حساب آورد و نزد او آمده، گفت: ای بنده خدا به چه چیزی قوت پیدا کرده‌ای و اینقدر نماز می‌خوانی؟ او جواب نداد، سؤال سه مرتبه تکرار شد که در مرتبه سوم شیطان گفت: ای بنده خدا من گناهی کرده‌ام و از آن نادم و پشیمان شده‌ام، یعنی توبه کرده‌ام، حال هرگاه یاد آن گناه می‌افتم به نماز قوت و نیرو پیدا می‌کنم.

عابد گفت: آن گناه را به من هم نشان بده تا من نیز آن را مرتکب شوم و توبه کنم که هرگاه یاد آن افتادم بر نماز قوت پیدا کنم. شیطان گفت: برو در شهر فلان زن فاحشه را پیدا کن و دو درهم به او بده و با او زنا کن. عابد گفت: دو درهم از کجا بیاورم؟ شیطان گفت: از زیر سجاده من بردار. عابد دو درهم را برداشت و راهی شهر شد.

عابد با همان لباس عبادت در کوچه‌های شهر سراغ خانه آن زن زناکار را می‌گرفت. مردم خیال می‌کردند برای موعظه آن زن آمده است، خانه‌اش را نشان عابد دادند. عابد به خانه زن که رسید، مطلب خود را

اظهار نمود. آن زن گفت: تو به هیئت و شکلی نزد من آمده‌ای که هیچ کس با این وضع نزد من نیامده است جریان آمدنت را برایم بگو، من در اختیار تو هستم. عابد جریان خود را تعریف نمود. آن زن گفت: ای بنده خدا! گناه نکردن از توبه کردن آسانتر است و انگهی از کجا معلوم که تو توفیق توبه را پیدا کنی، برو، آن که تو را به این کار راهنمایی کرده شیطان است. عابد بدون آن که مرتکب گناهی شود برگشت و آن زن همان شب از دنیا رفت، صبح که شد مردم دیدند که بر در خانه‌اش نوشته که بر جنازه فلان زن حاضر شوید که اهل بهشت است! مردم در شک بودند و سه روز از تشییع خودداری کردند، تا خدا وحی فرستاد به سوی پیامبری از پیامبران^(۳۶) که برو بر فلان زن نماز بگذار و امر کن مردم را که بر وی نماز گزارند. به درستی که من او را آمرزیده‌ام، و بهشت را بر او واجب گردانیدم، زیرا که او فلان بنده مرا از گناه و^(۳۷) معصیت بازداشت.

تشویق نمرود

نمرود دستور داد دیواره‌ای در دامنه کوه درست کردند و بمدت یکماه هیزم آورده و در آن قرار دادند تا پرشد. بعد گفتند چگونه ابراهیم(ع) را در آتش بیاندازیم؟ شیطان بصورت آدمی ظاهر شد و گفت من جنیق بسازید! تا آن زمان من جنیق نساخته بودند و شیطان هنگامیکه به

آسمانها راه داشت از جهنم دیدار کرده و دیده بود جهنمیان را با منجیق درون آتش می اندازند، یاد گرفته بود. لذا به آنها یاد داد که چگونه این وسیله را بسازند. چهارصد نفر آمدند و هر دو نفر یک طناب را گرفتند و ابراهیم (ع) را بالا بردند. جبرئیل آمد و گفت ای ابراهیم! هیچ احتیاجی نداری؟ گفت دارم اما نه بتو. گفت به که داری؟ گفت او از همه بهتر به حال من آگاه است. بعد از آن از طرف خدا ندا آمد: «یانار کونی بردا و سلاماً علی ابراهیم» ابن عباس گفت اگر خدا نمی فرمود سلاماً آتش چنان سرد می شد که ابراهیم (ع) از سرما هلاک می گردید. پس به فرشتگان امر نمود تا بازوی ابراهیم (ع) را گرفتند و آهسته در میان آتش قرار دادند و در میان آتش، چشمه های آب آفرید.

نمرود مطیع شیطان

از طرف خدا ندا رسید که ای ابراهیم! به بابل برو و نمرود را به خدا پرستی دعوت نما. حضرت به بابل که کوفه امروزی است، نزد نمرود رفت و او را به خدا پرستی دعوت نمود. نمرود گفت ای ابراهیم! مرا بخدای تو احتیاجی نیست. من می خواهم پادشاهی را از خدای تو بگیرم و او را هلاک نمایم!!! این بود که دستور داد تا اطاقکی به تعلیم شیطان ساختند و خود درون آن قرار گرفت و چهار کرکس او را بلند کردند و بالا بردند. چون بالا رفت تیری بطرف آسمان انداخت. جبرئیل آن تیر را به خون ماهی آغشته کرد. ماهی نالید خدایا تیغ دشمن را به خون من آغشته کردی. ندا رسید که تیغ را تا قیامت بر شما حرام کردم. بعد نمرود تیر خون آلود را که دید، گفت کار خدای ابراهیم را ساختم. ابراهیم (ع) گفت از این حرف برگرد که مردن برای خدا نیست. نمرود گفت اگر خدای تو زنده است، من لشکر جمع آوری می کنم به خدایت بگو که لشکر جمع کند تا با یکدیگر جنگ کنیم! پس نمرود از اطراف عالم لشکر بزرگی جمع کرد. ابراهیم (ع) دعا کرد که خدایا این ملعون را هلاک کن. خداوند به عدد لشکر نمرود پشه فرستاد که بر سر هر یک پشه ای نشست و در اندک زمانی او را هلاک

نمود. رئیس پشه‌ها، پشه‌ای بود که یک چشم و یک پا و یک دست و نیمه بدنی داشت. آمد و روی زانوی نمرود نشست. نمرود به زنش گفت این پشه‌ها لشکر مرا هلاک کردند. دست برد تا پشه را بکشد که پشه بلند شد و لب بالا و لب پایین نمرود رانیش زده آورد دماغ نمرود شد و به داخل مغز نمرود نفوذ کرده و مشغول نیش زدن شد! صدای فریاد نمرود بلند شد و از شدت درد خواب و خوراک از او سلب گردید غلامانش مرتب بر سرش می‌زدند تا پشه از حرکت بایستد. همان‌چو او را اذیت نمود تا به درک واصل شد. بقیه لشکر او به ابراهیم (ع) ایمان آوردند.

سخن شیطانی

«سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است» مستدرک ۲۷۳/۱۴

اعمال شیطانی

«زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لایهتدون» شیطان کارهایشان را به عنوان کار خوب! زینت داده و او آنها را از راه مستقیم دور کرده و هدایت نمی‌شوند.

اصحاب رس

درباره اصحاب رس آمده است که آنان نزد درختی جمع شده و بر آن سجده می نمودند و قربانی برایش انجام می دادند و دوازده شبانه روز آنجا می ماندند.. ابلیس هم درخت را تکان داده و از داخل درخت با آنان حرف می زد و آنان را بر بت پرستی خود استوارتر می نمود. خداوند برای هدایتشان، پیامبری فرستاد ولی آنان لجاجت کرده و با پیامبر مخالفت کردند و عاقبت او را شهید نمودند. خداوند هم عذاب سختی بر آنان فرستاد و همگی آنها را نابود نمود.

قارون رفیق شیطان

پسر خاله موسی (ع) شخص پولداری بنام قارون بوده است. به حضرت موسی (ع) خطاب شد که نزد قارون برو و او را پند و اندرز داده و بگو حقوق الهی ثروت و مالت را بده. قارون مردی بسیار ثروتمند بود. حضرت موسی (ع) به قارون دستور خدا را رساند. قارون گفت چقدر باید بدهم؟ حضرت موسی (ع) گفت چهل به یک. قارون گفت به خدا بگو که گنجهای من آنقدر زیاد است که کسی نمی تواند حساب آنها را بکند. کمی بمن تخفیف بده! وقتی حضرت موسی (ع) به کوه طور رفت عرض کرد خدایا کمی به قارون تخفیف بده! خطاب شد: هزار به یک بدهد. حضرت موسی (ع) پیام الهی را به قارون رساند. قارون گفت کمی بمن مهلت بده. حضرت موسی (ع) به قارون مهلت داد. وقتی قارون به منزل رفت، شیطان بصورت پیری نزد او آمد و گفت چرا مالت را بدهی؟ مگر غضب کرده ای؟ خلاصه شیطان وادارش کرد تا برای فرار از زکات، نسبت زنا به حضرت موسی (ع) بدهد. قارون هم زن فاسدی را خواست و یک کیسه طلا به او داد و گفت فردا در حضور جمع ادعا کن حضرت موسی (ع) با من عمل نامشروع نموده است. روز بعد قارون و زن کذائی با عده ای در مجلس حضرت موسی (ع) حاضر شدند. حضرت موسی (ع) سر منبر بود که زن گفت ای موسی! تو با من زنا کرده ای! حضرت موسی (ع) تورات را حاضر کرد

و فرمود ای زن! تو را به این تورات قسم! آیا من با تو زنا کرده‌ام؟ زن گفت خیر بلکه قارون کیسه‌ای طلا بمن داده تا این نسبت را بتو بدهم. حضرت موسی (ع) در حق قارون نفرین کرد ناگاه قارون با همه ثروتش به زمین فرو رفت!

توطئه قتل

نقل است در دارالندوه مکه جلسه‌ای برای برخورد با رسول خدا صلی الله علیه و آله تشکیل شد و هر که پیشنهادی کرد. شیطان بصورت پیرمرد حکیمی پیشنهاد کرد که جوانانی از قبایل مختلف در قتل پیامبر شرکت کنند تا اینکه بنی هاشم مجبور شوند در عوض قتل پیامبر، به دیه راضی گردند. اما جبرئیل این توطئه را به پیامبر خبر داد و حضرت هجرت تاریخی خود را به مدینه شروع کرد.

در بدر

ابلیس بصورت شخص خیرخواهی مشرکین را برای جنگ با پیامبر تشویق کرد و گفت بروید که شما پیروزید! و مشرکین رفتند و جنگ بدر را راه انداختند که با پیروزی مسلمین بر مشرکین پایان یافت.

ندای شیطان

جنگ اُحد بود که تعداد لشکر اسلام هزار نفر و تعداد لشکر کفر قریب دوازده هزار نفر بود. رسول خدا (ص) پنجاه نفر را در درهٔ بالا گذاشت و فرمود شما مواظب این دره باشید که لشکر کفر از پشت بما حمله نمایند. اگر ما پیروز شدیم، سهم غنیمت شما را کنار می گذاریم. علی (ع) و رسول خدا (ص) و حمزه سیدالشهداء با بقیه لشکر حمله کردند و بعد از مدتی لشکر دشمن شروع به عقب نشینی کرد و سربازان مسلمان مشغول جمع کردن غنیمت شدند. آن پنجاه نفر هم به طمع غنیمت، سخن رسول خدا (ص) را فراموش کردند و چهل نفرشان پست خود را ترک نموده و مشغول جمع کردن غنیمت شدند. خالد بن ولید با یاران خود، وقتی درهٔ احد را از نگهبانان خالی دید از پشت سر حمله کرده و آن ده نفر باقی مانده نگهبانان را کشت و شروع به جنگ با مسلمانان نمود. فراریان کفار هم برگشته و شیطان بصورت منادی ندا می داد که محمد کشته شد! عده ای از مسلمانان ضعیف الایمان فرار نمودند و رسول خدا (ص) را تنها گذاشتند. بطوریکه کفار بر پیشانی رسول خدا (ص) و دندان و کتف حضرت سنگ زدند و حضرت را مجروح نمودند. امیر المؤمنین علی (ع) و حمزه مانند پروانه دور رسول خدا (ص) می گشته و می جنگیدند و کفار را از حضرت دور می نمودند. امیر المؤمنین علی (ع) آنقدر شمشیر زد که شمشیرش شکست و جبرئیل از آسمان ذوالفقار را برای او آورد. امیر المؤمنین علی (ع) آن چنان جانفشانی نمود که جبرئیل در آسمان می گشت و ندای داد: لافتی! الا علی و لا سیف الا ذوالفقار. همچنین زنی بنام صفیه جراحه بود که برای پرستاری از مجروحین اسلام در جنگ حضور داشت، او وقتی دید پسرش دارد فرار می کند گفت اگر بروی شیرم را حلالیت نمی کنم. پسر برگشت و مشغول جنگ با کفار شد و بشهادت رسید و خود زن هم عمود خیمه و سپر بدست گرفته از رسول خدا (ص) دفاع می نمود. اما گوش نکردن عده ای از مسلمانان دستورات رسول خدا (ص) را باعث شد که حمزه بشهادت رسید و مسلمانان نتوانند کفار را شکست بدهند.

در احزاب

در جنگ احزاب شیطان لشکریان ابوسفیان را به حمله به لشکر اسلام ترغیب می نمود ولی با اعجاز الهی مشرکین شکست خورده بر گشتند.

در خیبر

وقتی امیرالمؤمنین (ع) در مقابل مرحب خیبری خود را این چنین معرفی کرد: من کسی هستم مادرم مرا حیدر نامیده است. مرحب فرار کرد ولی شیطان بصورت یکی از علمای یهودی بر سر راهش قرار گرفت و گفت حیدر نام زیاد است. برگرد که تو پیروزی! مرحب برگشت و بدست امیرالمؤمنین (ع) کشته شد!

در غدیر

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر ولایت امیرالمؤمنین (ع) را اعلام کرد، ابلیس ناله ای کرده و همه شیاطین را نزد خود جمع نمود و گفت با این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله دیگر کسی معصیت خدا نکند! لذا توطئه کردند و سراغ بعضی یاران رسول خدا صلی الله علیه

و آله رفتند و نگذاشتند که بعد از رسول خدا، ولایت به اهلش برسد و وقتی موفق شدند، ابلیس تاج پادشاهی بر سر نهاد و گفت تا امام (ع) قیام نکند خدا اطاعت نگردد.

تو مترف هستی!

امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به معاویه نوشت: تو حقیقتاً مترف هستی! که شیطان از تو شروع کرده است و آرزویش را در تو به انجام می‌رساند و در تو همانند روح و خون جاری شده است.

شیطان باعریان

«علی (ع): هرگاه شخصی عریان شود، شیطان بسوی او توجه می‌کند و طمع می‌کند تا او را به معصیت بیاندازد.»

شیطان با غافل

«کسیکه از ذکر خدای رحمن دوری کند، شیطان را همراه او می‌کنیم.» «زخرف ۳۶»

سه گناه بزرگ!

امیرالمؤمنین (ع): مردی در صومعه عبادت می کرد پس زنی را که بیمار بود نزد او آوردند. او با این زن زنا کرد. سپس شیطان نزدش آمد و گفت برای رسوا نشدن این زن را بگش! او هم زن را گشت و بدنش را دفن کرد. فامیلهای زن آمدند و عابد! را برای مجازات بردند. در راه شیطان بر او ظاهر شده و گفت من بودم که تو را به این کارها وادار کردم حال اگر می خواهی نجات دهیم بر من سجده کن! او هم بر شیطان سجده نمود! همانطور که خدا فرمود: کمثل الشیطان اذ قال للانسان اکفر...

شیطان در او می دمدم!

«امام صادق (ع): شیطانی است که هرگاه در منزل شخصی چهل روز ساز و آواز باشد و مردان به آنجا رفت و آمد کنند، آن شیطان نزد صاحبخانه رفته و هر عضو خود را به مثل اعضای صاحبخانه می گذارد و در او می دمدم. بعد از این این مرد آنقدر بی غیرت می شود که می بیند دیگران با همسرش زنا می کنند ولی او ناراحت نمی شود.»

فحاشی و انجام کار بد در حضور مردم

امام جعفر صادق (ع): کسیکه اهمیت ندهد که چه می گوید - و فحاش است - شیطان شریک او می شود. و کسیکه اهمیت ندهد مردم او را در حال کار بد ببینند شریک شیطان است.

زنا!

امام باقر(ع): هرگاه شخصی زنا می کند، شیطان آلت خود را با آلت او همراه می کند لذا فاعل دو نفر می شوند و نطفه هم شریکی تشکیل می شود و فرزند مال زنا کار و شیطان است!

خطوات

امام باقر و صادق(ع): از خطوات شیطان یکی قسم خوردن بر طلاق دادن زن است و یکی نذر بر انجام معصیت و سوم هر قسم خوردن بغیر خدا است.

غروب و طلوع خورشید

امام باقر(ع): ابلیس لشکرش را هنگام غروب و طلوع خورشید گسیل می کند پس در این دو ساعت زیاد بیاد خدا باشید و از شر ابلیس به خدا پناه ببرید و کودکان را در این دو ساعت تعویذ نمائید که این دو ساعت غفلت است.

فتنه ها

امیرالمؤمنین (ع): فتنه‌ها سه چیزند! محبت زنها که شمشیر شیطان است. شرابخواری که دام شیطان است. و مالدوستی که کمان شیطان است.

اولین سکه

اولین سکه‌ای که در زمین ضرب شد، ابلیس آن را بر چشمان و سینه‌اش گذاشت و گفت شما نور چشمان من هستید! چنانچه شخصی شما را دوست بدارد اگر بت هم نپرستد باکی نیست!

لشکر ابلیس

امام صادق (ع): برای ابلیس لشکری مهم‌تر از زنان و غضب نیست!

سیل بلند!

رسول خدا صلی الله علیه و آله: سیل خود را بلند نگذارید که شیطان در آن مخفی می‌شود!

تنها

امام باقر(ع): تنها نباشید که شیطان بیشتر سراغ افراد تنها می رود!

مؤمن بر قله کوه

اگر مؤمن بر قله کوه باشد خدا شیطان را می فرستد تا او را اذیت کند ولی خداوند ایمان او را برایش اُنسی قرار می دهد که هیچ احساس وحشت و تنهایی نکند.

عجله

امام باقر(ع): هرگاه کار خیری خواستی بکنی، عجله کن که شیطان در هر کار خیری که تأخیر شود دخالت می کند.

همه شر در سه چیز

رسول خدا صلی الله علیه وآله: شیطان برای شیاطین خود سخنرانی کرد و گفت: همه شر در سه چیز جمع شده است: گوشت! شراب! زنان!

ابلیس مادر این جوان را به کشتن داد!

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی آراسته با شکل مهیبی سر و بر را
گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار باید بگزینی تویکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زاریا بشکنی از خواهر خود، سینه و سر را
لرزید از این بیم جوان بر خود و جادشت کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را
یا خود زمی ناب کشی یک دو سه ساغر تا آنکه بیوشم زهلاک تونظر را
گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند هر گز نکنم ترک ادب این دونفر را
لکن چوبه می دفع شر از خویش توان کردمی نوشم و باوی بکنم چاره شر را
جامی دو بنوشید و چوشد خیره ز مستی هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را
ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را «ایرج میرزا»

پرهیز از شک

شخصی به امام کاظم (ع) عرض کرد که حاجتی از خدا خواستم و خدا روا نکرد لذا در دلم شک پدید آمد! امام فرمود: پرهیز از شیطان
که در تو راهی برای نفوذ پیدا کند!

شیطان می گوید ریا می کنی!

ابابصیر می گوید به امام باقر(ع) گفتم وقتی قرآن را با صدای زیباترین می کنم، شیطان بمن می گوید که تو داری ریا می کنی و پیش خانواده ات خودنمایی می کنی! امام فرمود: ای ابامحمد(ابابصیر)! تو حد وسط قرائت را بخوان بطوریکه خانواده ات صدای تو را بشنوند و قرآن را با ترجیع بخوان که خداوند عز و جل صوت زیبای با ترجیع را دوست دارد.

شراب!

امام جعفر صادق(ع): کسیکه شراب بخورد، فرزند و برادر و چشم و گوش و دست و پایش همه ابلیس می شوند و او را به هر شری می کشانند و از هر خیری دور می کنند.

شعله ای از شیطان

امام باقر(ع): غضب و خشم شعله ای از وساوس شیطان است که در دل آدمی بر می افروزد!

ولایت شیطان

امام صادق(ع): کسیکه درباره مؤمنی سخنی بگوید که او را در پیش مردم بی آبرو نماید، خدا او را از ولایت خود اخراج کرده و به ولایت شیطان وارد می کند ولی شیطان هم او را نمی پذیرد!

کتاب سحر

امام باقر(ع): وقتی سلیمان نبی رحلت کرد، ابلیس کتاب سحری نوشت و در زیر تخت او پنهان کرد. وقتی اطرافیان سلیمان کتاب را یافتند عده ای که کافر بودند گفتند: او بواسطه این کتاب بر ما پیروز شده بود! وعده ای که مؤمن بودند گفتند خیر او بنده و پیامبر خدا بود.

قهقهه

امام صادق(ع): قهقهه و خنده با صدا از شیطان است!

بول شیطان!

امام صادق (ع): بنده تا صبح سه بار بیدار می شود. حال اگر برای نماز بیدار نشد، شیطانی بنام زهاد در گوشش بول می نماید!

خواب شیطان!

امام عسگری (ع): خواب شیاطین بر صورت و به حالت دمر است!

جنگ ابلیس علیه انسان!

۳- چگونه انسان در مقابل شیطان از خود دفاع نماید؟

آدمی برای دفاع از خود در مقابل تهاجمات ابلیس و یارانش، باید به دستورات راهنمایان دین توجه کافی نماید. در احادیث زیر تعدادی از راهای دفاع ذکر شده است:

دو نوع شیطان

رسول خدا صلی الله علیه وآله: شیطان دونوع است که شیطان جنی با لاحول ولاقوه الا بالله دور می شود و شیطان انسی که با صلوات بر من دور می گردد.

اعراف!

کسیکه سورة اعراف را بخواند، خدا بین او و ابلیس مانعی قرار داده واز او محافظت می کند.

عابد بنی اسرائیل

در بنی اسرائیل عابدی بود که همیشه می گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین.

ابلیس که از این حرف او در ناراحتی بود شیطانی را فرستاد که او را وادار کند بگوید: العاقبة للاغنیاء! یعنی عاقبت با پولدارهاست! شیطان مذکور با عابد دیدار کرده و این پیشنهاد را به او کرد ولی عابد قبول نکرد و قرار گذاشتند که راجع به این سخن از یکنفری که می بینند پرسند. و هر که محکوم شد دست او را قطع نمایند. به یکنفر برخوردند و از او پرسیدند او گفت: العاقبة للاغنیاء!

لذا دست راست عابد قطع شد ولی باز او می گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. باز از شخص دیگری پرسیدند و او هم حرف شیطان را تأیید کرد پس دست دیگرش را قطع کردند اما او مرتب می گفت الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین. و قرار گذاشتند که این

بار هر کدام محکوم شد گردنش قطع شود. خداوند ملکی را فرستاد. آندو از او سؤال کردند و او گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقين. و گردن شیطان را قطع کرد و دست عابد را هم شفا داد.

همه مرتد می شدند!

امام هادی (ع): اگر بعد از غیبت قائم (ع)، علماء نباشند که از دین الهی دفاع کرده و بندگان خدا را از دست ابلیس نجات بخشند، همه مرتد می شدند.

عابد دیگر و نجات زن بدکار!

امام صادق (ع): در بنی اسرائیل عابدی بود که هیچ میلی به دنیا داشت لذا ابلیس ناله ای کرد تا شیاطین بدورش جمع شدند. ابلیس گفت برای فریب این ابد چه روشی را پیشنهاد می کنید؟ یکی گفت از راه زنان! ابلیس گفت میلی به زن ندارد! دیگری گفت از راه شراب! ابلیس گفت میلی به شراب ندارد. سومی گفت از راه اعمال خوب! ابلیس گفت تو برو و از این راه گمراهش کن!

شیطانک به کنار محل زندگی عابد رفت و در آنجا مشغول عبادت شد. عابد متوجه این عابد جدید شده و او را زیر نظر گرفت. بعد از چند روز عابد، سراغ شیطان عابدنما رفت و گفت چقدر تو خوب عبادت می کنی؟ از کجا به این مقام رسیده ای؟ گفت من یک گناهی کرده ام. هر وقت بیاد آن گناه می افتم به عبادت راغب تر می شوم. تو هم اگر می خواهی که مثل من بشوی باید بروی گناه کنی! عابد گفت چه گناهی؟ گفت برو زنا کن! عابد گفت من که این کار را بلد نیستم. شیطان گفت من بتو یاد می دهم. داخل شهر می شوی و در فلان کوچه و فلان خانه، زن فاسدی است، سراغ او می روی! عابد هم به سخن شیطان گوش کرد و به در خانه زن مذکور رفت. زن مذکور او را به خانه برد ولی از سر و وضع و چهره عابد فهمید که او اهل گناه نیست. لذا علت تصمیم بر گناه را از او پرسید. عابد داستان عابدنما را برای او تعریف کرد. زن دلش بحال عابد سوخت و گفت او عابد نیست بلکه شیطانی است که برای اغوای تو آمده است و عابد را منصرف نمود. عابد از خانه زن بیرون رفت و زن همان شب بیمار شده و مرد. خدا به پیامبر آن زمان وحی کرد و بخاطر اینکه این زن، بنده ما را از گناه کردن نجات داد برو و او را غسل و کفن نما و نماز بخوان و دفن کن که او آمرزیده شد.

یک فقیه در مقابل هزار عابد!

امام کاظم (ع): یکنفر فقیه که یتیمان شیعه ما را که از ما دورند به آنچه نیازمندند آموزش دهد برای ابلیس از هزار عابد سخت تر است زیرا عابد فقط خود را نجات می دهد ولی فقیه دیگران را هم نجات می دهد

عالم دشمن شیطان

رسول خدا(ص):قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست!وجود یکنفر عالم از هزار عابد برای شیطان سخت تر است.زیرا عابد خودش را نجات می دهد ولی عالم دیگران را هم نجات می دهد.

تلاش بی نتیجه ابلیس

امیرالمؤمنین(ع):اگر کسی قبل از طلوع خورشید سوره توحید و قدر را بخواند،در آن روز گناه نخواهد کرد اگرچه ابلیس تلاش زیادی بکند که او را به گناه بیاندازد.

سفره غذا

«رسول خدا(ص):چون سفره انداخته میشود،فرشتگان بر دور آن حلقه می زنند.اگر بنده بسم الله گفت،فرشتگان می گویند:خدا برکت بر شما و غذایتان بفرستد و به شیطان می گویند:ای فاسق!بیرون برو که تو بر اینها تسلطی نداری!
و هنگامیکه بعد از غذا،الحمد لله گفت،ملائکه گویند:اینان مردمی هستند که خدا به آنان نعمت داده و آنها هم شکر پروردگارشان را ادا کردند.
ولی اگر در اول غذا نام خدا را بر زبان جاری نکرد،فرشتگان به شیطان گویند:ای فاسق!بیا و با ایشان هم غذا شو!و اگر بعد از غذا حمد الهی نگفت،گویند که اینها مردمی هستند که خدا به آنها نعمت داد ولی شکر او را فراموش نمودند!»

کشف عورت!

رسول خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما عورتش را برای بول یا کار دیگری آشکار کرد، باید بسم الله بگوید که در این صورت شیطان چشمش را می بندد.

نماز!

امام صادق (ع): ملک الموت از کسیکه بر نمازهایش مواظبت می کرده، شیطان را دور می کند و به مؤمن لا اله الا الله محمد رسول الله تلقین می کند.

شکستن کمر شیطان

توبه کمر شیطان را می شکند. و او را ناامید می کند.

پناهگاهی در مقابل شیطان

«پیامبر(ص): اگر دوست دارید که مثل افراد سعادت‌مند زندگی کرده و مانند شهیدان بمیرید و در روز قیامت نجات یابید و در حرارت قیامت در سایه باشید و در روز گمراهی کافران، هدایت یافته باشید پس با قرآن‌انس بگیرید که کلام خداوند رحمن است و پناهگاهی در مقابل شیطان و باعث سنگینی میزان است.»

شیطان بیرون می‌رود!

رسول خدا صلی الله علیه و آله: خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود، برکتش زیاد شده و ملائکه به آن وارد شده و شیاطین از آن می‌روند! و برای اهل آسمان نورانی می‌شود مانند ستارگان برای اهل زمین. ولی در خانه‌ای که قرآن تلاوت نمی‌شود، و در آن یاد خدا و ذکر خدا نیست، برکتش کم شده و ملائکه از آن می‌روند و شیاطین در آنجا حاضر می‌شوند!

مضاجعت!

امیرالمؤمنین(ع): اگر در هنگام مضاجعت بگویید: بسم الله اللهم جنبني الشيطان و جنب الشيطان ما رزقني «خدایا! شیطان را از من و آنچه به من روزی می‌دهی دور کن!» که اگر خدا به او فرزندی روزی کند، شیطان نمی‌تواند به او آسیبی برساند.

هنگام آمیزش!

امام صادق(ع) فرمود که در هنگام آمیزش با همسران نام خدا را بپسند و الا شیطان در آمیزش شریک می شود و شیطان در تولد آن فرزند شریک می گردد لذا این مسئله را می توانید با این آزمایش کنید که این کودک دوست ماست- پس نام خدا برده شده- یا دشمن ماست!- که نام خدا برده نشده

پنج دسته ایمن

امام صادق(ع): ابلیس گفت که پنج دسته رانمی توانم بفریسم و بقیه مردم در قبضه من هستند:

۱- کسیکه با نیت صادق به خدا پناه برده و بر او در همه امور توکل کند.

۲- کسیکه شبانه روز به تسبیح خدا مشغول باشد

۳- کسیکه آنچه برای خود می خواهد برای برادر مؤمنش بخواهد

۴- کسیکه در مصیبت بی تابی ننماید

۵- شخصی که به روزی الهی راضی باشد.

ایمن از شیاطین در سفر و حضر

امام کاظم(ع): اگر هنگام خروج از خانه چه در سفر و چه در حضر بگویی: بسم الله آمَنَت بالله تو کلت علی الله ماشاء الله لاقوه الا بالله شیاطین را اگر ملاقات کند، فرشتگان بر شیاطین زده و می گویند شما نمی توانید به او ضرری بزنید!

دعای امام سجاد(ع)

امام سجاد(ع) در دعای ماه رمضان می فرماید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزَهُ وَلَمْزَهُ وَنَفْثَهُ وَنَفْخَهُ وَوَسْوَتهِ وَتَشْبِيْطَهُ وَكَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَحِبَائِلَهُ وَخُدْعَهُ وَأَمَانِيَّهِ وَغُرُورَهُ وَفِتْنَتَهُ وَشُرْكَهَ وَاحْزَابَهُ وَاتِّبَاعَهُ وَاشْيَاعَهُ وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعَ مَكَائِدِهِ. خدایا بر محمد و آل او رحمت فرست و پناه بده مرا از شیطان رانده شده و از اشاراتش و تو گویشیش و در گویشیش و دمیدنش و وسوسه اش و بازداشتنش و مکرش و نیرنگش و دامهایش و فریبهایش و آرزوهایش و حيله هایش و فتنه هایش و دامگذاریش و حزبهایش و یارانش و طرفدارانش و پیروانش و شریکانش و همه نقشه هایش پناه بده.

سه دسته ایمن از شیطان

از سخنان رسول خدا(ص) است که فرمود:

«سه دسته از شیطان ایمن هستند: کسیکه شبانه روز یاد خداست. کسیکه در نیمه های شب طلب آمرزش می کند. کسیکه از ترس خدا به گرید.»

نام محمد وعلی

امام باقر(ع) از کسی پرسید که نامت چیست؟ گفت محمد. فرمود
کنیه ات؟ گفت اباعلی! فرمود از شیطان نجات یافتی زیرا وقتی شیطان می شنود که اسم کسی را به محمد وعلی صدا می زنند، آب می شود
ولی هرگاه می شنود که اسم کسی را به نام دشمنان ما صدا می کنند، خوشحال می شود.

تولد ولی خدا

امام صادق(ع): وقتی یکی از اولیاء خدا متولد می شود، ابلیس نعره ای می زند که همه شیاطین دورش جمع می شوند. آنها می گویند چراناله کردی؟ می گویند کودکی از اولیاء متولد شد! می گویند: چه اشکالی دارد؟ می گویند اگر زنده بماند جمع زیادی بدستش هدایت می شوند. می گویند پس بگذار او را بکشیم! می گویند نه! می پرسند چرا؟ می گویند زیرا زندگی ما بسته به زندگی اوست و اگر ولی خدا در زمین نباشد قیامت برپا می شود و ما را به جهنم می برند. لذا نباید برای رفتن به جهنم عجله کنیم!

اذان واقامه

رسول خدا صلی الله علیه وآله: هر که در گوش راست کودکش اذان و در گوش چپش اقامه گوید، او را از شیطان حفظ کرده است.

دعای زیاد

امیرالمؤمنین (ع): دعا زیاد کن تا از کید شیطان سالم بمانی.

ریاکار و شیطان

«مردی از کنار رسول خدا (ص) عبور می کرد. اصحاب او را شخصی بانشاط و فعال یافتند، به حضرت عرض کردند: چه خوب بود این فرد، نیرو و نشاطش را در راه خدا مصرف می کرد.

حضرت رسول (ص) فرمودند: اگر سعی و عمل او برای کودکان صغیرش باشد، کار او در راه خداست. و اگر تلاش او برای پدر و مادر پیرش باشد، کار او در راه خداست. اگر تلاش او برای زندگی شرافتمندانه خودش باشد، کارش در راه خداست. اما اگر کار و تلاشش برای ریاکاری و فخر فروشی به دیگران باشد، کارش در راه شیطان است.»

تسلط بر بدن

از امام صادق (ع): درباره آیه «انه ليس له سلطان مع الذين آمنوا وعلىٰ ربهم يتوكلون» سؤال شد. فرمود: بخدا قسم! شیطان بریدن مؤمن قدرت دارد ولی بر دینش تسلطی ندارد. که خدا شیطان را بریدن ایوب نبی مسلط نمود ولی بر دینش مسلط نکرد.

عجله از شیطان

رسول خدا (ص): «آرامش و تأنی از خداست و عجله و شتاب از شیطان است.»

ناله شیطان

رسول خدا (ص): «هرگاه جوانی در ابتدای جوانیش ازدواج کند، شیطان ناله می کند: ای وای! دینش را از من حفظ نمود.»

دور شدن از شیطان

«آیا خبر ندهم شما را از کارهایی که اگر انجام بدهید، شما را از شیطان دور می کند مانند دور شدن مشرق از مغرب؟ گفتند: آری!»

فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند و دادن صدقه پشت او رامیشکند و دوستی در راه خدا و مواظبت بر عمل صالح، ریشه او را قطع می نماید واستغفار رگ حیات او را می بُرد!»

نصیحت شیطان

شیطان نزد حضرت یحیی (ع) رفت. گفت ای یحیی! من یک خصلت شما را دوست دارم. اینکه شما شب غذا زیاد می خوری لذا برای عبادت خدا دیر بیدار می شوی! حضرت عهد کرد که تا آخر عمر شبها کم غذا بخورد. شیطان هم عهد کرد که دیگر نقطه ضعف کسی را نگوید.

وسوسه شیطان

وقتی شب هشتم ذی حجه شد، در خواب به ابراهیم (ع) امر شد که باید اسماعیل را ذبح نمائی. تا سه شب این امر به او شد. روز دهم به هاجر گفت که لباس خوبی برای اسماعیل بیاور. که می خواهم او را به مهمانی دوست ببرم. سپس کارد و ریسمان هم برداشت و باتفاق اسماعیل به طرف منی روانه شد. شیطان به شکل پیرمردی نزد هاجر رفت و گفت ابراهیم (ع) پسر را کجا بُرد؟ گفت به مهمانی دوست. گفت نه بلکه چون ساره فرزندی ندارد ابراهیم (ع) را وادار کرده تا فرزندشمارا بکشد. هاجر فهمید که این شیطان است، چند تا سنگ بطرفش پرتاب نمود. شیطان نزد اسماعیل رفت و گفت پدرت تو را کجامی برد؟ گفت به مهمانی دوست. گفت اشتباه می کنی بلکه تو را

برای قربانی کردن می‌برد. اسماعیل فهمید که او شیطان است او را با چند سنگ دور نمود. شیطان سر راه ابراهیم (ع) گرفت و گفت ای ابراهیم! این پسر توست نکند او را از دست بدهی؟ ابراهیم (ع) متوجه شد که شیطان است چندتا سنگ بطرف او پرتاب نمود. که این سه محل بعنوان رمی جمرات محل سنگ انداختن حاجیان است. و هیچ چیزی نتوانست مانع کار ابراهیم (ع) شود.

همه شیاطین خارج می‌شوند!

مردی از جن به شخصی از انسانها برخورد و باهم گفتگویی داشتند از جمله جن به او گفت که اگر فردی در هنگام ورود به خانه و اتاقش آیه‌الکرسی را تلاوت کند، همه شیاطین خارج می‌شوند.

هنگام سوار شدن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هنگام سوار شدن اگر نام خدا را برد، فرشته‌ای تا زمان فرود از او مواظبت می‌نماید و اگر نام خدا را نبرد شیطان پشت سر او می‌نشیند و...

شدیدترین دفاع

شدیدترین عمل در مقابل ابلیس سجده طولانی است.

رمضان

رسول خدا صلی الله علیه وآله: در ماه رمضان خداوند برای هر شیطانی هفت فرشته می فرستد که شیاطین را تا آخر ماه مبارک رمضان بازداشت می کنند.

فقیه

یک نفر فقیه برای ابلیس از هزار عابد سخت تر است!

دانه انار

امام هفتم (ع): انار بخورید که هر دانه آن که وارد معده شود نور ایجاد کرده و وسوسه شیطان را خاموش می کند.

امانت داری

امام جعفر صادق (ع): امانت دار باشید که هر گاه به کسی امانتی داده می شود، ابلیس صد شیطان را نزد او می فرستد تا او را به خیانت وسوسه کنند! پس مگر خدا او را حفظ نماید.

ابلیس به اهل بیت متوسل می شود!

یکی از اجنه به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت که دیدم ابلیس دستهایش را به آسمان بلند کرده و می گوید خدایا! اگر حکم کردی که مرا به جهنم ببرند در آنجا تو را قسم می دهم به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که مرا ببخشی و از آتش درآوری! من به ابلیس گفتم این اسمها کیستند که خدا را به آنها قسم می دهی؟ گفت من این نامها را هفت هزار سال قبل از خلقت آدم (ع) بر ساق عرش دیدم و فهمیدم که اینها بهترین خلق خدا هستند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود بخدا قسم! اگر همه اهل زمین خدا را به این نامها قسم دهند خدا همه را می بخشد.

سیاهی صورت شیطان

در روایات است که صدقه و نماز صورت شیطان را سیاه می کند.

دیدار مؤمنین

امام کاظم (ع): دیدار مؤمنین با یکدیگر بر ابلیس سخت است مخصوصا اگر اسمی از فضائل ما اهل بیت برده شود که ابلیس آنقدر ناراحت می شود که ناله اش بلند شده و به گوش ملائکه عرش می رسد و آنها هم او را لعن می نمایند.

بهترین عمل نزد خدا

امیرالمؤمنین (ع): بهترین اعمال نزد خدا، نماز است که اگر شخصی غسل کند و یا وضوی خوبی بگیرد و در محل خلوتی مشغول نماز شود و در رکوع و سجود باشد، وقتی در سجده است، ابلیس فریاد می کشد که: ای وای بر من! او اطاعت کرد و من عصیان ورزیدم! او سجده کرد و من امتناع نمودم.

و نزدیکترین حالت به خدا در حال سجده است.

عزرائیل باریحان و زعفران

رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه خداوند، از بنده ای راضی باشد، می

فرماید: ای عزرائیل! سراغ فلان بنده ام برو و روحش را بیاور! عمل او بس

است و من او را همانطور که دوست داشتم، یافتم!

عزرائیل با پانصد فرشته، در حالیکه همراه هریک، ریحان و زعفران است، نازل می شوند و هر کدام به او بشارتی جداگانه می دهند و در

هنگام خروج روحش، دو صف از ملائکه تشکیل می شود. ابلیس وقتی این

صحنه را می بیند، دستش را بر سر گذاشته و ناله می کند! شیاطین به او

می گویند: ای سرور ما! چه شده است؟ می گوید: آیا نمی بینید خداوند

به این بنده، چقدر عزت داده است؟ شما کجا بودید؟ آنها می گویند: ما تلاش کردیم او را گمراه سازیم، ولی نتوانستیم!

ثابت قدم در هنگام مرگ!

امام صادق (ع) فرمود: هنگام مرگ یکنفر شیعه، شیطان از راست و چپ او می آید، تا او را منحرف کند! ولی خداوند مانع می شود! همانطور که در آیه ۳ سوره ابراهیم فرمود: خداوند، اهل ایمان را در دنیا و آخرت، ثابت قدم و ثابت اعتقاد، نگه می دارد!

پنج دستور العمل اخلاقی و اجتماعی مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

الاسلام يعلمو لا يُعلی علیه..... يدالله فوق ايديهم

قال الله تعالى قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا مثني و فرادی

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا

وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ اِنْما ثقفوا الا بحبل من الله و حبل من الناس

مراد از قیام لله، مجاهده با نفس می باشد و آن محتاج است به پنج چیز.

اول اعتصام بحبل الله که حاصل نشود مگر باعتصام بحبل من الناس و آن معاهده با نائب امام علیه السلام است بر ترک معصیت و بمنزله

زره و لباس مجاهدین فی سبیل الله است.

دوم سپر دوام وضو که الوضوء جنته

سوم چون شیطان نفس حيله كند او را رجم نمايد بخواندن اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.
و هرگاه سگ نفس هجوم آورد او را به حربه خواندن
و كلبهم باسط ذراعيه بالوصيد خاكسارش كند.
چهارم آنكه لااقل يكتفر را هدايت كند برای معاهده مذکور.
پنجم آنكه لااقل هفته‌ای يكروز برای جماعت حاضر شود
والسلام على من اتبع الهدى
الا حقر العباد محمد على بن محمد جواد اصفهانی
استعاذه

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم «نحل ۹۸»

۴- برخورد پیامبران و امامان و اولیاء خدا با ابلیس

پیامبران و امامان (ع) با ابلیس برخوردهایی داشته‌اند مخصوصاً اینکه در بعضی از این برخوردها ابلیس مقداری از نقشه‌ها و توطئه‌های خود علیه انسان را بازگو نموده است که توجه شما را به این برخوردها که در کتب حدیث ذکر شده جلب می‌نمایم:

برخورد با نوح (ع)

ابلیس به نوح (ع) گفت دو تا خصلت بتو می‌آموزم! نوح (ع) گفت من نیازی به علم تو ندارم. ابلیس گفت از حرص پرهیز که باعث شد آدم (ع) از بهشت رانده شود. و از حسد دوری کن که مرا بهشت بیرون نمود. خدا به نوح (ع) وحی کرد که این دورا بپذیر اگرچه ابلیس، ملعون است! همچنین آمده است که ابلیس به نوح نبی گفت سه جا بیاد من باش! هرگاه عصبانی می‌شوی. هرگاه حکمی صادر می‌نمائی و هر وقت بازنی نامحرم تنها می‌شوی!

روزی ابلیس به نوح(ع) گفت برایم در نزد خدا طلب آمرزش کن! نوح(ع) قبول کرد و پیغام ابلیس را رساند. خدا فرمود به او بگو اگر برود و بر قبر آدم(ع) سجده کند من توبه او را قبول می کنم. نوح(ع) وحی الهی را به ابلیس ابلاغ نمود. ابلیس گفت من بر خود آدم(ع) سجده نکردم! چگونه بر قبرش سجده کنم؟!

ربودن انگشتر سلیمان نبی

ابلیس به شکل سلیمان سراغ خادم سلیمان(ع) رفت و او را گول زد و انگشتر پیامبر را از او گرفت و در دست کرد ناگاه همه شیاطین و جن انس و پرندگان و وحوش در مقابل او تسلیم شدند.

سر راه موسی(ع)

ابلیس به موسی(ع) گفت هیچگاه با زن نامحرمی تنها نشو که سومی شما من هستم و خودم عهده دار این کار می شوم!

سه گناه مهم

موسی(ع) از ابلیس پرسید چه گناهانی باعث تسلط تو بر آدمی می شود؟ گفت زیاد شمردن اعمال خوب و کم شمردن گناه و عجب و خودبینی!

صدقه

ابلیس به موسی(ع) گفت هر گاه خواستی صدقه بدهی زود بده که اگر بنده‌ای خواست صدقه بدهد خودم عهده دار می‌شوم که مانع این کارش بگردم!

سر راه یحیی(ع)

یحیی(ع) از ابلیس پرسید که چه چیزی نور چشم توست؟ گفت زنان دامهای من هستند! که هر گاه دعا و لعن آدم صالحی را می‌شنوم به زنهای پناه می‌برم! و آنجا آرام می‌گیرم.

روزی یحیی(ع) از ابلیس خواست تا فردا با صورت اصلی خود ظاهر شود. ابلیس قبول کرد و روز بعد ناگاه یحیی(ع) دید که موجودی بسیار کریه و زشت و منکوس و چشمان شکاف زده و بدون چانه و ریش و موهای کم که بطرف آسمان بالا رفته و چهار دست و در هر دستی شش انگشت و انگشتانی که تا پایش دراز بود و بینی مانند پرنده و در دستش دامهایی برنگهای سفید و سیاه و سرخ و سبز و زرد و زنگ بزرگی در دستش و... ظاهر شد. ابلیس گفت من اول زیباترین موجود در بین فرشتگان بودم ولی بخاطر معصیت خدا زشت‌ترین صورت را دارم.

سر راه عیسی(ع)

ابلیس به حضرت عیسی (ع) گفت نو که مرده را زنده می کنی و مریض را شفا می دهی، خودت را از کوه به پایین پرت کن - و آسیبی نمی بینی عیسی (ع) گفت من همه این کارها را با اذن خدا می کنم ولی این کار را خدا اذن نداده است!

روزی حضرت عیسی (ع) دید که ابلیس بارهایی بر پشت دارد. از او سؤال کرد اینها چیستند؟ گفت پنج تا بار است که برای مشتریهایشان می برم. بار اول ستمگری است که برای سلاطین و پادشاهان می برم! بار دوم کبر است که برای دهقانها و روستائیان می برم. بار سوم حسادت است که برای دانشمندان می برم. بار چهارم خیانت است که برای تاجرها و بازاریها و کارگزارانشان می برم. بار پنجم مکر و حيله گری است که برای زنها می برم!

روزی ابلیس به عیسی (ع) گفت آیا خدا می تواند زمین را در تخم مرغی قرار دهد؟ حضرت فرمود: وای بر تو! خدا به عجز وصف نشود!

شیطان سر راه پیامبر

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در کودکی با عمویش ابوطالب به شام می رفت، در دل شب شیطانی سر راه پیامبر ظاهر شد و دهنه شتر حضرت را گرفت و بطرف دیگری برد. اما ناگاه جبرئیل نازل شده و بافوتی که کرد شیطان را به حبشه پرتاب کرد و زمام شتر پیامبر را گرفت و در مسیر راه قرار داد.

گویند روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و به ماری نگاه می کرد. امیرالمؤمنین (ع) خواست با عصا مار را دور کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود این ابلیس است که من با او شرطهائی کرده ام از جمله ای علی! هر که دشمن تو باشد، ابلیس در رحم مادرش شریک گردد که خدا فرمود: و شارکهم فی الاموال والاولاد.

شیطان تسلیم رسول خدا صلی الله علیه وآله

حضرت فرمود که با هر انسانی یک شیطان است! پرسیدند حتی شما؟ فرمود آری ولکن شیطان من به حول و قوه الهی مسلمان شده است.

تبسم پیامبر

روزی دیدند که پیامبر برای مطلبی تبسم نمودند. علت را از حضرت پرسیدند. فرمود وقتی خدا دعای مرا درباره امّتم (در مورد قبول توبه) اجابت کرد، دیدم که ابلیس ناراحت شد که واویلا می گفت و خاک بر سرش می ریخت!

امیرالمؤمنین (ع) بر روی سینه ابلیس!

روزی ابلیس بصورت پیرمردی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد و گفت برایم از خدا طلب آمرزش کن! حضرت فرمود تلاشت بیهوده و عملت باطل است. ابلیس رفت و رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی (ع) فرمود که این ابلیس بود. امیرالمؤمنین (ع) بدنالش رفت و او را گرفت و بر زمین زد و روی سینه اش نشست. ابلیس گفت ای ابالحسن! خدا به من تا قیامت مهلت داده است. حضرت هم او را رها کرد.

بدتر از ابلیس!

امیرالمؤمنین (ع) فرمود روزی ابلیس را دیدم و او در ضمن صحبت‌هایی گفت وقتی بخاطر سرپیچی از دستور خدا به آسمان چهارم افتادم، به درگاه خدا نالیدم که خدایا! خیال نکنم مخلوقی بدبخت‌تر و شقی‌تر از من آفریده باشی! جواب آمد که چرا از تو بدتر هم آفریده‌ام پس پیش مالک جهنم برو تا بتو نشان دهد! من نزد مالک جهنم رفتم و او از طبقات مختلف جهنم مرا پایین برد تا در طبقه هفتم دیدم که دو نفر هستند که زنجیرهایی از آتش بر گردن آنهاست و بر سر آنها با پتک می‌کوبند! گفتم اینها کیستند؟ مالک گفت آیا بر ساق عرش نظر کرده‌ای که نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته ونصرته بعلی!؟ گفتم آری. گفت اینها دشمن محمد و علی هستند!

شیطان در فکر توطئه برای جدّ پیامبر

وقتی سلمی' نور پیامبری رسول خدا را در جدش هاشم دید، شیفته هاشم شد و با ازدواج هاشم با خود موافقت نمود. شیطانی بصورت یکی از یاران هاشم، سه بار نزد سلمی' رفت و از بخل و دشمنی هاشم با زنان و ترسو بودن او به دروغ صحبت کرد بطوریکه سلمی' از ازدواج با هاشم منصرف شد ولی پدر سلمی' او را از این اشتباه در آورد و گفت چگونه هاشم، بخیل است در حالی که از بس به مردم غذا داده به هاشم معروف شده است! و چگونه ترسو است در حالی که از او در حال حاضر شجاعت‌تر کسی نیست و... و دوباره سلمی' به هاشم متمایل شد و با ازدواج آنها عبدالمطلب بدنیا آمد.

شیطان در مقابل عمار

روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله، عمار را بدنبال آب فرستاد و شیطان سه بار در مقابل عمار قرار گرفت تا مانع او شود ولی هر سه بار عمار او را مغلوب نمود. لذا رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود شیطان بین عمار و آب بصورت دودی سیاه مانع شد ولی خدا عمار را بر شیطان پیروز کرد.

انت زین العابدین

روزی امام سجاد (ع) مشغول نماز بود که شیطان برای بهم زدن نماز حضرت بصورت ماری ظاهر شد و انگشت پای امام را نیش زد! ولی امام اعتنایی به درد نکرد و نمازش را دامه داد و بعد از نماز فهمید که این مار، شیطان است فرمود ای ملعون از من دور شود! و دوباره مشغول نماز شد. لذا خطاب شد انت زین العابدین!

عرش ابلیس

روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله به ابن صائد فرمود چه می بینی؟ گفت: عرشی بر روی دریا که اطرافش را ماهیان احاطه کرده اند! فرمود: این عرش ابلیس است.

۵-اطلاعاتی دربارهٔ ابلیس

«مراد از شیاطین در بعضی از آیات قرآن، سردسته‌های کفر و نفاق می‌باشند.»

مراتب جن!

«عرب برای جن مراتبی در نظر گرفته است: جنی که با مردم زندگی می‌کند عامر است. جنی که متعرض کودکان می‌شود ارواح نام‌دارد! اگر خبیث باشد شیطان نام می‌نهند اگر شرورتر باشد مارد می‌گویند و اگر قدرتش زیاد باشد عفریت گویند.»

یاران ابلیس!

«یکی از مفسرین گفته است که: لاقیس از اولاد ابلیس است که سراغ نمازخوانهای رود. هفهاف در بیابانها زندگی می‌کند. زلنبور در بازارها به فعالیت مشغول است. بثر برای صاحبان مصیبت‌ها و سوسه می‌نماید. الابیض پیامبران را و سوسه می‌کند. اعور مردم را به زنا تشویق می‌نماید. داسم در خلوت انسان و سوسه می‌کند. مطرش علیه مؤمنین شایعه پراکنی می‌کند.»

«امیر المؤمنین (ع): قرح اسم شیطان است.»

«امیرالمؤمنین (ع) در جنگ جمل فریاد زد شتر-شترعایشه را- رابکشید که او شیطان است! محمد بن ابی بکر و عمار سراغ شتر رفتند و او را کشتند.»

اسم شیطان

«فیروز آبادی گفته است که اسم شیطان ورئیس جن الزوبعه است.»

مرگ ابلیس!

«امام صادق (ع): ابلیس بین نفخه اول و دوم می میرد.»

نام شیاطین

«امیرالمؤمنین (ع): نام ابلیس در آسمان، حارث بوده است.»

امام صادق (ع): شیطانی بنام مذهب است که به هر صورتی غیر از صورت پیامبر و امام در می آید. و فرمود شیطانی بنام هزع است که در خواب مردم می آید.

کشتن وزغ

رسول خدا صلی الله علیه وآله: کسیکه وزغی را بکشد، شیطانی را کشته است! زیرا وقتی ابراهیم (ع) در آتش افتاد، همه حیوانات برای خاموش کردن آتش تلاش کردند، ولی وزغ در آتش می‌دمید که بیشتر شعله بکشد!

فرزند خوب ابلیس!

«گویند همه فرزندان ابلیس کافرند بجز چند نفر از جمله جنی بنام هام بن هیم بن لاقیس بن ابلیس که بدست نوح (ع) ایمان آورد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسید و در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین (ع) بود.

«روایت شده که در راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه وآله به جنگ حنین ناگاه مار بزرگی راه را بر سپاه بست. اصحاب جریان را به پیامبر گزارش کردند. رسول خدا خود آمد و نزد مار ایستاد ناگاه مار صدازد: السلام علیک یا رسول الله! من هیثم بن طاح بن ابلیس هستم که بتو ایمان آورده‌ام و آمده‌ام که در جنگ به شما کمک کنم. حضرت فرمود از ما جدا شو و بنزد خانواده ات برو...

«از امام جعفر صادق (ع) سؤال شد که کفر مقدم‌تر است یا شرک؟ فرمود کفر که اولین کافر ابلیس بود و بعدا مشرک هم شد.

به آنها می‌دهد، هر کس در پی ماء موریت خود می‌رود، اسامی کابینه او از این قرار است:

۱. ولها یا ولهان

او ماء مور طهارت و نماز و عبادت است. او انسان را در طهارت و

نماز و سوسه می کند و به شک می اندازد که این نماز باطل است، نماز دیگری شروع کن، وضوی تو ناقص بود، دو مرتبه تجدید کن. گاهی در سجده در بدن انسان چیزی می دمد، به طوری که انسان خیال می کند وضوی او باطل شد و مجبور شد دو مرتبه وضو بگیرد.^(۹۵)

۲. هفاف

ماء موریت دارد که در بیابانها و صحراها انسان را اذیت کند و برای ترسانیدن او را به وهم و خیال اندازد یا به شکل حیوانات گوناگون به نظر انسان درآید.

۳. زلنبور (یار کتبور)

که آن موکل بازاری ها است. لغویات و دروغ، قسم دروغ و مدح کردن متاع را نزد آنها زینت می دهد. آنها هم برای این که جنس خود را به فروش رسانند آن اعمال را انجام می دهند.^(۹۶)

۴. ثبر

در وقتی که مصیبتی به انسان وارد می شود، صورت خراشیدن، سیلی به خود زدن، یقه و لباس پاره کردن را برای انسان پسندیده جلوه می دهد.^(۹۷)

۵. ابیض

انبیا را و سوسه می کند - یا ماء مور به خشم در آوردن انسان است و غضب را پیش او موجه جلوه می دهد و به وسیله آن خونها ریخته می شود.

۶. اعور

کارش تحریک شهوات در مردان و زنها است و آنها را به حرکت می آورد! و انسان را وادار به زنا می کند.

از زنا افتد و با اندر جهات

ابر ناید از پی منع زکوت

اعور، همان شیطانی است که بر صیصای عابد را وسوسه کرد تا بادهختری زنا کند و بعد او را به قتل رساند. (داستانش خواهد آمد). روزی اعور پیش هود پیغمبر رفت، آن حضرت ضربه ای به چشم او زد، ^(۹۸) کج شد.

۷. داسم

همواره مراقب خانه ها است. وقتی انسان داخل خانه شد و سلام نکرد و نام خدا را بر زبان نیاورد، با او داخل خانه می شود و آن قدر وسوسه می کند تا شر و فتنه ایجاد نماید و اهل خانه را به جان هم اندازد. اگر انسان سر سفره غذا نشست و ((بسم الله)) نگفت با او غذا می خورد. هرگاه انسان داخل خانه شد و سلام نکرد و ناراحتی پیدا شد ^(۹۹) باید بگوید (داسم، داسم، اعوذ بالله منه).

۸. مطرش یا مشوط و سا وشوط

کار او پراکندن اخبار دروغ یا دروغ هایی است که خود جعل کرده، ^(۱۰۰) درحالی که حقیقت ندارند.

۹. قنذر

او نظارت بر زندگی افراد می‌کند. هر کس چهل روز در خانه خود طنبورداشته باشد، غیرت را از او بر می‌دارد، به طوری که انسان در^(۱۰۱) برابر ناموس خود بی تفاوت می‌شود.

۱۰. ده‌ار

ماء‌موریت او آزار مؤمنان در خواب است. به طوری که انسان خواب‌های وحشت‌ناک می‌بیند، یا در خواب به شکل زنان نامحرم درمی‌آید و انسان^(۱۰۲) را وسوسه می‌کند تا او را محتلم کند.

۱۱. اقبض

وظیفه او تخم‌گذاری است. روزی سی عدد تخم می‌گذارد. ده عدد در مشرق و ده عدد در مغرب و ده عدد زمین، از هر تخمی عده‌ای از شیاطین و عفريت‌ها و غول‌ها و جن بیرون می‌آیند که تمام آنها^(۱۰۳) دشمن انسان‌اند.

۱۲. تمریح

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: برای ابلیس - در گمراه ساختن افراد آکمک کنننده‌ای به نام ((تمریح)) وی در آغاز شب بین مغرب و^(۱۰۴) مشرق به وسوسه کردن، وقت مردم را پر می‌کند.

۱۳. قزح

ابن کوا از امیرالمؤمنین علیه‌السلام از قوس و قزح پرسید، حضرت فرمود: قوس قزح مگو؟! زیرا نام شیطان ((قزح)) است بلکه بگو((قوس اله و قوس الرحمن)).

۱۴. زوال

مرحوم کلینی از عطیة بن المعزام روایت کرده که وی گفت: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم و از مردانی که دارای مرض ((ابنه)) بوده و هستند یاد کردم. حضرت فرمود: ((زوال)) پسر ابلیس با آنها مشارکت می کند ایشان مبتلا به آن مرض می شوند.

۱۵. لاقیس

او یکی از دختران شیطان و کارش وادار کردن زنان به مساحقه. و همجنس بازی زنان است او مساحقه را به زنان قوم لوط یاد داد. یعقوب بن جعفر می گوید: مردی از حضرت صادق علیه السلام از مساحقه بازی زن با زن دیگر پرسید: حضرت در حالیکه تکیه کرده بود نشست و فرمود: زن زیر و زن رو - هر دو ملعون اند. پس از آن فرمود: خدا بکشد ((لاقیس)) دختر ابلیس را که چه عمل زشتی را برای زنها آورد. آن مرد گفت: این کار اهل عراق است؟ حضرت فرمود سوگند به خدا که این عمل در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، قبل از آن (۱۰۵) که در عراق باشد.

۱۶. متکون

شکل خود را تغییر می دهد و خود را به صورت بزرگ و کوچک درمی آورد و مردم را گول می زند و این وسیله آنان را وادار به (۱۰۶) گناه می کند.

۱۷. مذهب

خود را به صورت‌های مختلف در می‌آورد، مگر به صورت پیغمبر و ^(۱۰۷)یاوصی او. مردم را با هر وسیله که بتواند گمراه می‌کند.

۱۸. خنزب

بین نمازگذار نمازش حایل می‌شود، یعنی توجه قلب را از وی برطرف می‌کنند. در خبر است که: عثمان بن ابی‌العاص بن بشر در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: شیطان بین نماز و قرائت من حایل می‌شود - یعنی حضور قلب را از من می‌گیرد - حضرت جواب داد: نامش شیطان ((خنزب)) است. پس هر زما از او ^(۱۰۸)ترسیدی به خدا پناه ببر.

۱۹. مقلاص

موکل قمار است. قمار بازها همه به دستور او رفتار می‌کنند. به وسیله قمار و برد و باخت اختلاف و دشمنی در میان آنان به وجود ^(۱۰۹)می‌آورد.

۲۰. طرطبه

یکی از دختران آن ملعون می‌باشد. کار او وادار کردن زنان به زنا است ^(۱۱۰)و هم جنس بازی را هم به آنان تلقین می‌کند.

با توجه به مطالب فوق به دست می‌آید که ابلیس به صورت یک فرمانده ویران گر که نقش فرماندهی را به عهده دارد فرمان می‌دهد و بچه‌هایش در اجرای دستورات او می‌کوشند و با تلاش‌ها و تغییر ^(۱۱۱)شکل‌های مختلف، جوامع انسانی را به بدبختی می‌کشانند.

قم!

روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در معراج دید که ابلیس در محلی نشسته است. حضرت به او فرمود قم! یعنی بلند شو! لذا اسم این محل، قم قرار گرفت.

شیطان مردم

«در روایت است که ابلیس شیطانی را بنام متکون به میان مردم می فرستد که به هر صورتی بجز صورت امام (ع) ظاهر می شود.

چرا ابلیس؟

«از امام باقر (ع) سؤال شد چرا به ابلیس، ابلیس گویند؟ فرمود زیرا از رحمت الهی مأیوس و رانده شد.»

ندای ابلیس!

«امام جعفر صادق(ع): وقتی امام زمان(عج) ظهور می کند ابتدا جبرئیل از آسمان ندا می کند که قائم(ع) ظهور کرده است. سپس ابلیس از زمین ندا می کند. پس از ندای اول تبعیت کنید و از ندای دوم پرهیزید.»

زده شدن گردن ابلیس

«در روایت است که امام زمان(عج) گردن ابلیس را می زند.»

چه کسی شیطان را گول زد؟

«شخصی از عالمی سؤال کرد که هر که گول می خورد، گویند شیطان او را گول زده است. چه کسی شیطان را گول زد؟ جواب دادند که شیطان از جن است و جن و انس دارای دونیرو بنام عقل و هوای نفس هستند که عقل به خوبی فرمان می دهد و هوای نفس به گناه! و ابلیس از هوای نفسش تبعیت نمود.»

«در روایت است که ارواث(آب بینی و مدفوع) و استخوانها غذای جنیان است که آن را می بویند نه اینکه آن را بخورند.

«خداوند بخاطر نافرمانی عزازیل، او را ابلیس نامید یعنی ناامید از رحمت خدا.»

«اسامی دیگر ابلیس: رأس الکفر، جم، خابـل، خیتـمور، سفیف، سرفح، غرور، ابوقره، شر، اجدع، بلاز، شیخ نجـدی، ابولینی، ابوخلاف، خناس، حارث، دیو، باطل، ابو مره، ابوالمیزار، اجدع، ابوالجن، ابو فزه، ابو کروس، ابولیلی، ابو مخلد و الایض

۶- ابلیس از دیدگاه آیات قرآن

نام ابلیس ۹ بار و شیطان با مشتقاتش ۸۸ بار در قرآن کریم آمده است. که تعدادی از آیات بشرح زیر می باشند:

«از قدمهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. او امر به کارهای بد و فحشاء می کند و اینکه برخدا دروغ ببندید»

«دوستان شیطان را بکشید که حقیقتاً مکر شیطان ضعیف است.»

«اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود غیر از عده کمی همگی از شیطان تبعیت می کردید.»

«حقیقتاً شیطان می خواهد بوسیله شراب و قمار بین شما دشمنی ایجاد کرده و از یاد خدا و نماز دورتان کند پس آیا دست از این کارها بر نمی دارید؟»

«شیطان گفت خدایا! حال که مرا اخراج کردی در راه مستقیم به کمین می ایستم و جلو و عقب و راست و چپ سراغ انسانها می روم و کاری می کنم که اکثرشان شکرگزار نباشند. خدا فرمود از بهشت با ذلت نکوهیده و مطرود بیرون برو که جهنم را از کسانی که از تو پیروی کنند، پرمی کنم!»

«ای بشر! مبادا شیطان تو را گول بزند همانطور که جدتان را از بهشت بیرون نمود و لباسشان را بیرون کرد بطوریکه عوراتشان پیدا شد. شیطان و گروهش شما را از جایی که شما آنها را نمی بینید، می بیند.»

«هرگاه و سوسه ای از شیطان به شما رسید به خدا پناه ببرید که او شنوا و داناست. متقین هرگاه به طایفه ای از شیاطین بر می خورند بیاد خدا افتاده و هوشیار می شوند.»

«شیطان (در جهنم) بعد از پایان کار به جهنمیان گوید که خدا به شما وعده حق داد و به وعده اش وفا نکرد و من به شما وعده دروغ دادم و من بر شما تسلطی نداشتم جز اینکه شما را فراخواندم و شما هم اجابت کردید! پس مرا سرزنش نکنید و خود را ملامت کنید. نه من فریاد رس شما هستم و نه شما فریاد رس من!»

«شیطان تسلطی بر مؤمنین و کسانی که بر خدا توکل می نمایند ندارد. بلکه بر کسانی که دوستدار شیطان هستند و برای خدا شریک قائل می شوند، مسلط است»

«ابراهیم(ع) گفت ای پدر! شیطان را نپرست که او معصیت خداوند رحمان را می کند. و می می ترسم عذاب الهی بر تو فرود بیاید و شریک شیطان شوی!»

«آیا بشما بگویم که شیاطین کجا فرود می آیند؟ آنان نزد دروغزنهاى گنه کار می روند. گوش فرا می دهد ولی اکثرشان دروغگو هستند.»

«نجوی از شیطان است تا مؤمنین را ناراحت کند ولی تا خدا اجازه ندهد نمی تواند ضرری برساند.»

«هرگاه متقین با دسته های شیاطین روبرو شوند، بیاد خدا افتاده و هوشیار می شوند.»

«اگر شیطان تو را از خدا غافل کرد پس از اینکه هوشیار شدى، دیگر باستمکاران رفت و آمد ننما!»

و...

پایان - رمضان ۸۲

منابع

- بحار الانوار □ علامه مجلسی
حلیه المتقین □ علامه مجلسی
مکارم الاخلاق □ حسن بن فضل طبرسی
وسائل الشیعه □ شیخ حرّ عاملی
میزان الحکمه □ محمدی ری شهری
آثار الصادقین (ع) □ صادق احسان بخش
مفاتیح الجنان □ شیخ عباس قمی
برنامه سلوک □ علی شیروانی
هزارویک نکته درباره نماز □ دیلمی
مجمع المعارف ومخزن العوارف □ محمد شفیع بن محمد صالح

عصر امام خمینی (قدس سره) □ میراحمد رضا حاجتی

روزنامه‌های: اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی، رسالت، کیهان هوایی

تفسیر دررالمنثور

ثواب الاعمال □ شیخ صدوق

جامع احادیث الشیعه □ آیه الله بروجردی

اصول کافی □ مرحوم کلینی

مستدرک الوسائل □ میرزا حسین نوری طبرسی

تفاسیر منهج الصادقین، مواهب علیه، دررالمنثور، کنز الدقائق، مجمع البیان، نورالثقلین، عیاشی

شیطان در کمینگاه {نعمت الله صالحی حاجی آبادی}